



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

نقش روحانیت در جامعه پذیری سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر آل غفور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بهروز لک

نگارش:

محبوبه محمدی

خرداد 1389





دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

نقش روحانیت در جامعه پذیری سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر آل غفور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر بهروز لک

نگارش:

محبوبه محمدی

خرداد 1389

تقدیم به:

پیشگاه محضر الهی و محبوبه داور حضرت زهراى اطهر(س) و
پدر و مادر و همسر عزیزم که در تمامی مراحل زندگى ام
همیشه یار و یاورم بوده اند و هستند و انشاء... تا لحظه شهادتم
در کنارم خواهند ماند.

تشکر:

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات؛ پس در هر
نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به درآید
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندیش
کس نتواند که به جای آورد

من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبدا. لذا از تمام معلمین زندگی‌م تشکر می‌کنم از اولین
معلم انسان‌ها یعنی خداوند تبارک و تعالی و بعد از نبی اکرم (ص) و ائمه طاهریں (ع)
و مادر ائمه حضرت صدیقه طاهره (س) و بعد از پدر و مادر و همسر و بعد از تمام
اساتیدم که در تمام طول مدت تحصیل از آنها آموختم آنچه تاکنون می‌دانم را.

چکیده:

در رساله پیش رو تلاش شد به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که؛ «از نظر مقام معظم رهبری، روحانیت چه نقشی در جامعه‌پذیری سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارند؟» در پاسخ به این سؤال و در چارچوب نظری متناسب با موضوع یعنی نظریه ساختاری- کارکردی آلموند فرضیه پژوهش ارائه شد؛ که عبارت است از: «از نظر مقام معظم رهبری نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و درونی کردن آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، می باشد.» در نظریه ساختاری- کارکردی آلموند، ارزش‌های سیاسی در سه سطح سیستمی، فرایندی و سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ که هر سطح شامل چندین نمونه از ارزش‌های سیاسی است که در این پژوهش فقط به بررسی دو ارزش اکتفا شد که عبارتند از: مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی. در واقع در این رساله از نظریه آلموند در جهت شاخص بندی ارزش‌های سیاسی استفاده شد و در مفهوم این شاخص‌ها دیدگاه مقام معظم رهبری بعد از تعاریف مطرح شده در فصول دو و سه به تفصیل مورد مطالعه قرار گرفت. از طرفی با توجه به مراحل سه گانه جامعه‌پذیری سیاسی؛ یعنی چالش ارزش‌های سیاسی قدیم، ایجاد ارزش‌های سیاسی جدید و درونی کردن ارزش‌های سیاسی جدید از نسلی به نسل بعد، سه فصل دیگر شکل گرفت. در فصل دوم نظر مقام معظم رهبری درباره مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام قبل از انقلاب آورده شده که به اختصار شامل این موارد می‌باشد: ایشان مشروعیت رژیم پهلوی را به پشتیبانی آمریکا در آن می‌دانند و آن را متکی به زور و حاکمیت آن دوران را طاغوت و وابسته به خارج معرفی می‌کنند درباره مشارکت سیاسی آن نظام نیز ایشان آن نظام را ضد مردمی و مورد حمایت قدرت‌های بیگانه می‌دانند و وحدت و پشتیبانی مردم از نظام را سرمایه‌های می‌دانند که رژیم سابق به دلیل نداشتن آن با وجود سایر سرمایه‌های مادی واژگون شد. ایشان آن نظام را جدا از مردم و ضد اسلام و متکی بر طبقات مرفه بی‌درد و بی‌اعتنا به آراء مردم معرفی می‌کنند. و در ادامه این فصل درباره نقش روحانیت در به چالش کشیدن این دو ارزش در آن رژیم می‌فرمایند: اگر روحانیون نبودند، نه مبارزه شروع می‌شد و نه پیروز می‌شد. و تنها نیرویی که یارای مقاومت در برابر رژیم پهلوی را داشت را همه ملت می‌دانند و آن را هم تنها به وسیله روحانیت قابل بسیج همگانی معرفی می‌کنند. در فصل سوم نظر ایشان درباره مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی آورده شده که به اختصار شامل این موارد می‌باشد: در این فصل پس از ذکر نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی به عنوان رهبر نظری و عملی این نهضت و ایجاد کننده این نظام و ارزش‌های آن به نظرات رهبری پرداخته شد. ایشان اصلی‌ترین مؤلفه جامعه اسلامی را حاکم اسلامی می‌دانند که آن هم با ولایت قابل تعریف می‌باشد. ایشان ولایت را ناشی از ارزش‌های اسلامی مانند عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلام می‌دانند. ایشان پایه و اساس مشروعیت حکومت را فقط رأی مردم نمی‌دانند، پایه اصلی را تقوی و عدالت می‌دانند منتهی تقوی و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد. ایشان درباره مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی نیز چنین می‌فرمایند: معنی مشارکت، مردمی بودن است و معنای مردمی بودن، نقش دادن به مردم هم در اداره و تشکیل حکومت و هم در تعیین حاکم است. ایشان در نهایت ایجاد ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام جمهوری اسلامی ایران را در اصل فقط از ناحیه روحانیت ممکن می‌دانند و نقش اصلی را در این زمینه از آن روحانیت و در رأس آن حضرت امام می‌دانند. در فصل چهارم ابتدا درباره روش‌ها و مکانیزم‌های خاص روحانیت در امر درونی کردن ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری بحث شد که به اختصار شامل موارد ذیل می‌شود: تبلیغ دین و مبادی قدرت و تأثیرگذاری. ایشان نفوذ روحانیت را به دلیل محبوبیت و اعتماد مردم به ایشان می‌دانند که نشأت گرفته از: 1- اعتماد تاریخی مردم به روحانیت شیعه؛ 2- شبکه گسترده و منسجم روحانیت در سراسر کشور؛ 3- بسیج عام فقط توسط روحانیت قابل اجرا بود. در بخش دوم وظایف امروز روحانیت در این راستا از دیدگاه ایشان بررسی شد که عبارتند از: تبیین دین، مجاهدت برای مردم، حفظ آبروی انقلاب، توجه به موقعیت جمهوری اسلامی و در نهایت توصیه‌های ایشان به روحانیت برای رعایت شأن این لباس مورد مطالعه قرار گرفت.

کلمات کلیدی:

جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و روحانیت.

فهرست مطالب:

1	مقدمه: طرح تحقیق	1
	1- بیان مسأله	1
	2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن	1
2	3- سابقه پژوهش	2
2	4- سؤال اصلی پژوهش	2
3	5- فرضیه پژوهش	3
3	6- مفاهیم و متغیرها	3
3	7- سوالات فرعی پژوهش	3
4	8- پیش فرض ها	4
4	9- اهداف پژوهش	4
	10- روش گردآوری اطلاعات و داده ها	4
	11- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها	5
5	12- سازمان دهی پژوهش	5
6	فصل اول: چارچوب نظری و مفاهیم	6
7	بخش اول: چارچوب نظری	7
	1-1-1- تمایلات ارزش های سیاسی [سیستمی]	10
	1-1-2- تمایلات ارزش های سیاسی [فراپندی]	10
	1-1-3- تمایلات ارزش های سیاسی [سیاست گذاری]	11
	بخش دوم: مفاهیم	13
	1-2-1- جامعه پذیری سیاسی	13
	1-2-1-1- تعریف جامعه پذیری	13
	1-2-1-2- جامعه پذیری در رشته های علوم اجتماعی	14

..... الف) دیدگاه انسان‌شناسان	14
..... ب) دیدگاه روان‌شناسان	15
..... ج) دیدگاه جامعه‌شناسان	15
..... 1-2-1-3- تعریف جامعه‌پذیری سیاسی	17
..... 1-2-1-4- چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی	20
..... 1-2-1-5- اشکال جامعه‌پذیری سیاسی	21
..... 22- اشکال جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم	22
..... الف) روش تقلید	22
..... ب) جامعه‌پذیری پیش‌بینی شده	22
..... ج) آموزش سیاسی	22
..... د) تجربیات سیاسی	23
..... اشکال غیر مستقیم جامعه‌پذیری سیاسی	23
..... الف) شیوه انتقال از طریق روابط متقابل (روابط شخصی)	23
..... ب) شیوه شاگردی	24
..... ج) شیوه تعمیم	24
..... 1-2-1-6- کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی	25
..... 1-2-1-7- نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی	26
..... 1-2-1-8- محتوای جامعه‌پذیری سیاسی	29
..... 1-2-2- ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران	30
..... 1-2-2-1- تعریف ارزش	30
..... 1-2-2-2- تعریف سیاست	31
..... 1-2-2-3- تعریف ارزش‌های سیاسی	33
..... 1-2-2-4- نمونه‌های ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران	35
..... الف- ارزش‌های سیاسی سطح سیستمی	35
..... تعریف مشروعیت سیاسی	35
..... شاخصه‌های مشروعیت	37
..... بحران مشروعیت	38
..... ب- ارزش‌های سیاسی سطح فرایندی	39
..... تعریف مشارکت سیاسی	40

41 سلسله مراتب مشارکت سیاسی
..... انواع و سطوح مشارکت سیاسی
41	
42 مکانیزم‌های مشارکت سیاسی
42 شاخصه‌های مشارکت سیاسی
42 بحران مشارکت
43 ج- ارزش‌های سیاسی سطح سیاست‌گذاری
43 1-2-3- روحانیت
46 جمع‌بندی فصل اول

فصل دوم: نقش روحانیت در به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی

ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری 48

49 مقدمه
	بخش اول: نقش روحانیت در به چالش کشیدن مشروعیت سیاسی نظام قبل از انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری
50	

..... 1-1-2- تاریخچه مشروعیت سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی
50	
..... 1-1-2- نقش روحانیت در ایجاد بحران مشروعیت در نظام قبل از انقلاب اسلامی
52	

1-1-2- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نقش روحانیت در به چالش کشیدن مشروعیت سیاسی نظام قبل از انقلاب اسلامی 66

..... 1-3-1-2- مشروعیت رژیم پهلوی به پشتیبانی آمریکا و متکی به زور
66	
..... 1-3-2-2- روحانیت به چالش کشندگان اصلی مشروعیت نظام قبل از انقلاب به علت ضد دین بودن آن
68	
..... 1-3-3-2- انقلاب اسلامی، زنده شدن دین در مقابل بی‌دینی توسط امام
71	
..... 1-3-4-2- نجات این کشور فقط در سایه اسلام
72	

بخش دوم: نقش روحانیت در به چالش کشیدن مشارکت سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری 73

..... 2-2-1- تاریخچه مشارکت سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی
73	

2-2-2- نقش روحانیت در ایجاد بحران مشارکت در نظام قبل از انقلاب اسلامی 75

2-2-3- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نقش روحانیت در به چالش کشیدن مشارکت سیاسی در نظام قبل از انقلاب 83

83 1-3-2-2-قیام، قیام روحانیت
84 2-2-3-2-روحانیت و امام و دین دارای نقش اصلی در به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی قبل از انقلاب
86 3-2-3-2-نگرشی عمیق‌تر بر نهضت روحانیت
 4-2-3-2-نظام قبل از انقلاب نظامی ضد مردمی و متکی به بیگانه
	90
91 5-2-3-2-حکومت پهلوی ضد اسلام و برخلاف میل مردم
92 6-2-3-2-رژیم سابق متکی به طبقات مرفه بی‌درد
 جمع بندی فصل دوم
	94

فصل سوم: نقش روحانیت در ایجاد ارزش‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران از

دیدگاه مقام معظم رهبری 96

97 مقدمه
	بخش اول: نقش روحانیت در ایجاد مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم
98 رهبری
98 1-1-3-نقش روحانیت در ایجاد مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی
99 2-1-3-نظریه ولایت مطلقه فقیه امام خمینی تئوری مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی
 3-1-3-دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نقش روحانیت در ایجاد مشروعیت سیاسی نظام جمهوری
 اسلامی
	106

..... 1-3-1-ولایت از دیدگاه مقام معظم رهبری

107

..... 2-3-1-3-رهبری معنوی، تعهد معنوی

109

..... 3-3-1-3-ضابطه‌های ولایت فقیه

110

..... 4-3-1-3-ارتباط بین ولی و مردم

110

..... 5-3-1-3-نصب ولی فقیه

111

..... 6-3-1-3-مبانی مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی

112

..... 7-3-1-3-تفاوت مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری لیبرال غربی

114

بخش دوم: نقش روحانیت در ایجاد مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم

..... رهبری

116

..... 1-2-3-مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

116

..... 3-2-1-1 حکومت باید مردمی باشد	116
..... 3-2-1-2 حکومت اسلامی، مردم و اسلامی	118
..... 3-2-2 شاخص‌های مشارکت مردم در حمایت و دفاع از نظام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری	120
..... 3-2-2-1 حضور گسترده در راهپیمایی‌ها	121
..... 3-2-2-2 حضور گسترده و همه جانبه در جنگ 8 ساله عراق علیه ایران	121
..... 3-2-2-3 کمک‌های مردمی	121
..... 3-2-2-4 مقابله با تحریم اقتصادی و انواع توطئه‌های خارجی	123
..... 3-2-2-5 حضور گسترده در مجامع علمی، مذهبی و سیاسی	124
..... 3-2-2-6 حضور گسترده در انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی	125
..... 3-2-2-7 هوشیاری و اطاعت مردم از رهبری	125
..... 3-2-2-8 پیوند معنوی مردم و دولت (حکومت)	126
..... 3-2-2-9 تلاش در جهت نهادینه کردن ساختارهای قانونی حکومت	127
..... 3-2-3 دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نقش روحانیت در ایجاد مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران	128
..... 3-2-3-1 نقش اصلی با امام و روحانیت	128
..... 3-2-3-2 دو عنصر پیروزی نهضت	128
..... جمع‌بندی فصل سوم	130
فصل چهارم: نقش روحانیت در درونی کردن ارزش‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری	
..... 134	134
..... 135 مقدمه	135
بخش اول: چگونگی درونی کردن ارزش‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی توسط روحانیت از دیدگاه مقام معظم رهبری	
..... 136	136
..... 4-1-1 مکانیزم‌های روحانیت در درونی کردن ارزش‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی	136
..... 4-1-1-1 حوزه به عنوان نهاد آموزشی	137
..... 4-1-1-2 حوزه به عنوان نهاد مذهبی	138
..... 4-1-1-3 حوزه؛ دوستان و گروه‌های سنی	138

..... 4-1-1-4 حوزه و گروه‌های هم منزلت اجتماعی	139
4-1-2 دیدگاه مقام معظم رهبری درباره چگونگی درونی کردن ارزش‌های سیاسی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام جمهوری اسلامی توسط روحانیت	139
..... 4-1-2-1 تبلیغ	139
..... 4-1-2-2 مبادی قدرت و تاثیر گذاری بیشتر روحانیت	140
..... 4-1-2-2-1 نفوذ روحانیت به دلیل محبوبیت و اعتماد مردم به ایشان	140
..... 4-1-2-2-2 نظرامام خمینی درباره مشارکت سیاسی مردم در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری ..	144
..... 4-1-2-2-3 مبادی قدرت و تأثیرگذاری روحانیت در نهضت	145
بخش دوم: مسئولیت امروز روحانیت درباره درونی کردن ارزش‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران و توصیه‌هایی از دیدگاه مقام معظم رهبری	147
..... 4-2-1-1 از دیدگاه مقام معظم رهبری	147
..... 4-2-1-1-1 انتظار این است حر و آزاد باشیم	147
..... 4-2-1-1-2 لزوم عدم غفلت روحانیون	148
..... 4-2-1-1-3 مسأله جوانان یک مسأله ملی	148
..... 4-2-1-1-4 اولین وظیفه روحانیت تبلیغ	149
..... 4-2-1-1-5 فرق روحانیت شیعه و غیر آن	151
..... 4-2-1-1-6 علت عدم انحراف انقلاب	152
..... 4-2-1-1-7 مسئولیت‌های روحانیت	153
..... 4-2-1-1-8 در کنار آگاهی بخشی باید روح معنویت را در مردم باید بیدار کرد	155
..... 4-2-1-1-9 روحانیت خادم؛ نه صاحب	156
..... 4-2-1-1-10 حمله به روحانیت با هدف تضعیف و محو انقلاب	156
..... 4-2-1-1-11 برای تداوم انقلاب نیز به حضور روحانیون نیاز است	158

.....12-1-2-4- مردم توقع دارند که روحانیون عاملترین افراد باشند.....	159
.....2-2-4- توصیه‌هایی به روحانیت در زمینه رعایت شان و مسئولیت‌های این قشر از دیدگاه مقام معظم رهبری	159
.....1-2-2-4- رعایت شأن روحانیت.....	159
.....2-2-2-4- موضع روحانیت، موضع دفاع از نظام و حفظ و تبیین دین.....	161
.....3-2-2-4- روحانیت بیش از دیگران نیازمند تقوی.....	162
.....4-2-2-4- باید آبروی هزار ساله روحانیت را حفظ کرد.....	164
.....5-2-2-4- باید ایمان مردم به روحانیت را حفظ کرد.....	165
.....6-2-2-4- وظیفه امروز روحانیت سنگین‌تر از گذشته.....	168
.....7-2-2-4- روحانیت و لزوم بی‌اعتنایی به زخارف دنیا.....	170
.....173- جمع بندی فصل چهارم.....	
.....174- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	
.....183- فهرست منابع.....	
.....183- کتاب‌ها.....	
.....189- مقالات.....	
.....منابع الکترونیکی.....	189
.....189- منابع عربی.....	
.....منابع لاتین.....	190

فصل اول:

چارچوب نظری و مفاهیم

مقدمه: طرح تحقیق

1- بیان مسأله

باورهای سیاسی در جامعه از طریق جامعه‌پذیری سیاسی توسط عوامل جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد که عمدتاً به صورت حفظ و نگهداری فرهنگ سیاسی، تغییر و تحول در فرهنگ سیاسی و خلق فرهنگ سیاسی انجام می‌گیرد.¹ در این پژوهش تلاش می‌شود به یکی از ابعاد مهم فرهنگ سیاسی یعنی ارزش‌های سیاسی پرداخته شود و لذا آن چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی نقش نهاد روحانیت به عنوان یکی از عوامل و کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی در به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی نظام قبل از انقلاب اسلامی، شکل‌دهی به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و انتقال آن به نسل امروز در نظام جمهوری اسلامی ایران، از نظر مقام معظم رهبری می‌باشد.

به نظر می‌رسد چارچوب نظری مناسب جهت تبیین موضوع این پژوهش نظریه ساختاری - کارکردی آلموند باشد. البته واضح است که دیدگاه مقام معظم رهبری تفاوت‌های اساسی با دیدگاه اندیشمندان غربی از جمله آلموند دارد. اما به نظر می‌رسد اگر به الگوی موردنظر آلموند و همکارانش در تبیین ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های سیاسی موردنظر مقام معظم رهبری که همانا ارزش‌های سیاسی مطابق با اسلام هستند، در نظر گرفته شود، الگوی مناسبی بدست می‌آید که هم با استفاده از چارچوب نظری آلموند است و هم مطابق با نظر مقام معظم رهبری می‌باشد.

2- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

¹ - هرمز مهرداد، زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، تهران: شرکت انتشاراتی پازنگ، 1376، ص 45.

در حوزه فرهنگ و از جمله فرهنگ سیاسی ایران و بخصوص از لحاظ انتقال ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران به نسل امروز نوعی ضعف و خلأ کارکردی مشهود است. با توجه به اینکه نهاد روحانیت در تاریخ معاصر ایران همیشه نقشی مؤثر در فرهنگ و فرهنگ‌سازی و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعدی داشته است و در حوزه فرهنگ و فرهنگ سیاسی، همیشه در ردیف اول و پیشگام متولیان این حوزه بوده است؛ اکنون به نظر می‌رسد بخش عمده این خلأ ناشی از ضعف حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت در ایفای این نقش می‌باشد. لذا طرح این پژوهش و تلاش برای پاسخ به سؤال همیشگی ذهن محقق با تطبیق بر آرای مقام معظم رهبری آغاز شد.

این تحقیق و نتایج آن می‌تواند مورد استفاده نهادهایی که با نهاد روحانیت ارتباط دارند مانند: حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تبلیغاتی وابسته به حوزه علمیه و ... جهت شکل‌دهی و جهت‌دهی به اهداف این دستگاه‌ها و برنامه‌ریزی برای آینده، برای موفقیت هر چه بیشتر آنها در به ثمر رساندن نهاد روحانیت و کمک به ایفای نقش در خور شأن این نهاد در جامعه‌پذیری ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی به نسل جدید و در نتیجه ایجاد ثبات در نظام جمهوری اسلامی ایران، قرار گیرد.

از سوی دیگر این پژوهش می‌تواند برای مؤسساتی که بر روی افکار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری تحقیق می‌کنند و تلاش در تهیه آثار ایشان به شکل موضوعی دارند نیز مفید واقع شود.

3- سابقه پژوهش

تحقیقات بسیاری در زمینه موضوع جامعه‌پذیری سیاسی از سویی و اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سوی دیگر، منتشر گردیده است. از آن جمله: کتاب «کتاب مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی» نوشته علی اخترشهر و همچنین پایان‌نامه «اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» نوشته احمد عارف‌خانی فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی از دانشگاه باقرالعلوم (ع) و همچنین کتاب «زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی» تألیف و ترجمه دکتر هرمز مهرداد و بسیاری آثار دیگر. در زمینه موضوع تحقیق پیش رو یعنی «نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری» تحقیقی صورت نگرفته است؛ هر چند کتاب «حوزه و روحانیت در آیین ره‌نمودهای مقام معظم رهبری» به چاپ رسیده است؛ اما باز هم بسیار کلی‌تر از موضوع این پژوهش به بحث پرداخته است. لازم به

ذکر است سعی شده از تمام کتاب‌های مذکور و دیگر آثار مربوط به موضوع در تدوین این پژوهش استفاده شود. با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد این موضوع جدید است و قابلیت تحقیق و کار بسیار دارد.

4- سؤال اصلی پژوهش

«از نظر مقام معظم رهبری، روحانیت چه نقشی در جامعه‌پذیری سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارند؟»

5- فرضیه پژوهش

«از نظر مقام معظم رهبری نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و درونی کردن آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌باشد.»

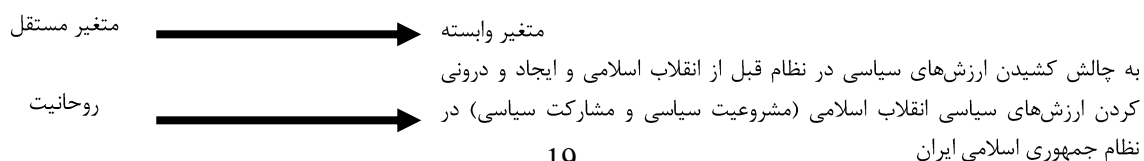
6- مفاهیم و متغیرها

مفاهیم: جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و روحانیت.

متغیر مستقل: گروه‌های مختلف نهاد روحانیت مانند: مراجع تقلید، مدرسان حوزه‌های علمیه، محققان و نویسندگان، ائمه جمعه و جماعات، وعاظ و سخنرانان مذهبی و طلاب علوم دینی.

متغیر وابسته: به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد و درونی کردن (انتقال از نسلی به نسل‌های بعد) ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (که در این پژوهش شامل مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی می‌باشد).

بررسی همه ارزش‌های انقلاب اسلامی کاری بس بزرگ می‌طلبد که در این مجال نمی‌گنجد. پس در این پژوهش باید دست به انتخاب بزنییم که مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی، انتخاب می‌شود؛ که برای مطابقت با ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و دیدگاه مقام معظم رهبری به لحاظ محتوایی به صورت اسلامی در نظر گرفته می‌شود.)



7- سؤالات فرعی پژوهش

- 1) از نظر مقام معظم رهبری نقش روحانیت در به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام قبل از انقلاب اسلامی ایران چیست؟
- 2) از نظر مقام معظم رهبری نقش روحانیت در ایجاد ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟
- 3) از نظر مقام معظم رهبری نقش روحانیت در درونی کردن ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟

8- پیش فرض‌ها

- 1) عوامل جامعه‌پذیری سیاسی در جوامع، مختلف و متعدد می‌باشد و هر یک از آن‌ها با توجه به موقعیت خود در میان جامعه تاثیرگذار هستند.
- 2) این عوامل جامعه‌پذیری سیاسی از طریق تاثیراتی که روی ارزش‌های سیاسی جامعه بر جای می‌گذارند، نقش خود را در جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کنند؛ در این بین اگر نهادی دارای توانایی بالایی باشد می‌تواند ارزش‌های سیاسی جامعه را بر اساس اهداف و خواسته‌های خویش جهت داده و ارزش‌های سیاسی مورد نظر خود را در جامعه ایجاد نماید.

9- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، شناخت نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی از نظر مقام معظم رهبری است. با توجه به اهمیت نهاد روحانیت در تحولات تاریخ معاصر ایران در مقوله ارزش‌های سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی و با توجه به این که مقام معظم رهبری به عنوان رهبر جامعه اسلامی ایران و ضمناً یکی از متفکران برجسته سیاسی ایران هستند. و از طرفی با توجه به این که خود ایشان نیز عضوی از این نهاد می‌باشند؛ لذا نظر ایشان در این زمینه بسیار مفید فایده و کارگشا خواهد بود. در این پژوهش هدف نهایی دست یابی به دیدگاه مقام معظم رهبری در باره چگونگی ایجاد و درونی کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی از جمله مشروعیت

سیاسی و مشارکت سیاسی می باشد و در نهایت این که نتیجه این جامعه پذیری سیاسی و وظیفه امروز این نهاد از دیدگاه ایشان کشف شود.

10- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

روش تحقیق اسنادی و استنادی است که از طریق بررسی موضوعی بیانات مقام معظم رهبری، نظر ایشان درباره نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی استخراج و با استفاده از چارچوب نظری ساختاری - کارکردی آلموند تبیین می‌شود.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها، روش کتابخانه‌ای است؛ لذا در مورد مفاهیم و چارچوب نظری به کتب مربوط به نظریات و کتاب «چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی» نوشته آلموند و همکارانش مراجعه و استفاده می‌شود و در مورد بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز به نرم افزار «به سوی نور» (شامل بیانات مقام معظم رهبری) و کتب و آثار دیگر ایشان مراجعه می‌شود.

11- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

روش پژوهش در تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و از طریق بررسی موضوعی آثار و بیانات مقام معظم رهبری نظر ایشان درباره نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی استخراج و تبیین می‌گردد.

12- سازمان دهی پژوهش

در این تحقیق مطالب مورد نظر در مورد نقش روحانیت در جامعه‌پذیری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری در چهار فصل بیان می‌شود. در فصل اول چارچوب نظری و مفاهیم مطرح می‌شود. چارچوب نظری مناسب برای این پژوهش نظریه ساختاری - کارکردی آلموند به نظر می‌رسد که در این فصل به طور مفصل به شرح این نظریه پرداخته می‌شود و مفاهیم جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و روحانیت مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

در فصل دوم، نقش روحانیت در به چالش کشیدن مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی ایران، از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد.



در فصل سوم، نقش روحانیت در ایجاد مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل چهارم، نقش روحانیت در درونی کردن مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل اول:

چارچوب نظری و مفاهیم

بخش اول: چارچوب نظری

از دیدگاه اکثر صاحب نظران سیاسی، نظریه جامعه‌پذیری سیاسی نوزاد نظریه جامعه‌پذیری است که توسط تالکوت پارسونز در دهه‌های 60 و 70 میلادی تحت عنوان «مکتب ساختاری - کارکردی» به وجود آمده است. از جمله کسانی که از نظرات پارسونز بهره‌برداری کردند و نظریه رویکرد سیستمی را پیرامون جامعه‌پذیری سیاسی ارائه دادند، آلموند و وربا هستند. آلموند و همکارانش پس از تحقیقات فراوان در چند کشور اروپایی نتیجه گرفتند آن چه که برای یک نظام سیاسی اهمیت دارد، کارکرد حفظ و نگهداری الگوی جامعه یا انتقال ارزش‌ها، هنجارها و ایستارها از نسلی به نسل دیگر است. آلموند، نظریه خود را تحت عنوان فرهنگ سیاسی در قالب رویکرد سیستمی مطرح کرد. او اعتقاد دارد که مزیت رویکرد سیستمی محیطی آن است که توجه ما را به وابستگی متقابل رویدادهای درون و میان کشورها جلب می‌کند. از نظر او، تمام نظام‌های سیاسی برای ادامه حیات و ثبات خود ناگزیرند، در محیط خود به هشت کارکرد بپردازند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: جامعه‌پذیری، گزینش سیاسی، تبیین منافع، تجمع منافع، ارتباطات سیاسی.

آلموند فرهنگ سیاسی را الگوی ایستارها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در درون یک نظام می‌داند.² در نظریه ساختاری - کارکردی آلموند و همکارانش سه مفهوم نظام، ساختار و کارویژه استفاده فراوانی دارند. نظام اشاره به سازمان و تشکیلاتی دارد که با محیط در کنش و واکنش متقابل است؛ یعنی هم بر آن اثر گذاشته و هم از آن تاثیر می‌پذیرد. این واژه هم چنین حکایت از وجود اجزای درونی متعددی دارد که با هم در تعامل‌اند. نظام سیاسی از مجموعه مهمی از نهادهای اجتماعی تشکیل می‌یابد که با صورت بندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن سر و کار دارند. در حالت معمولی نوعی اجبار

² - حامد سبزی‌پور، جامعه‌پذیری سیاسی مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، رشد علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره 4، تابستان 87، ص 43.

مشروع، پشتیبان تصمیمات نظام سیاسی است و از همین رهگذر، اطاعت از آن تصمیمات بر افراد جامعه تحمیل می‌گردد. ضعف مشروعیت می‌تواند سبب فروپاشی سازمان سیاسی و شکست سیاست‌های دولت گردد. شکست سیاست‌ها نیز به نوبه خود می‌تواند موجب از دست رفتن مشروعیت شود.³

نظام‌های سیاسی کارهای بسیاری انجام می‌دهند: جنگ به راه می‌اندازند یا صلح و آرامش را تشویق می‌کنند؛ بازرگانی بین‌المللی را ترویج می‌کنند یا آن را محدود می‌سازند؛ با سختگیری کمتر یا بیشتر به رفتارها نظم می‌بخشند؛ و... نظام سیاسی برای انجام مستمر این فعالیت‌ها، نهادها، سازمان‌ها یا ساختارهایی همچون احزاب سیاسی، مجالس قانون گذاری، دستگاه‌های دیوانی و دادگاه‌هایی دارد که هر یک پیگیر فعالیت‌های خاصی است. به عبارت دیگر، هر ساختمان کارویژه‌هایی را به اجرا می‌گذارد که به نوبه خود، سازمان سیاسی را قادر به تدوین و اجرای خط مشی‌های خود می‌سازند. نظام، ساختار و کار ویژه مفاهیمی اساسی برای درک چگونگی تاثیرگذاری محیط طبیعی و انسانی بر سیاست و تاثیرپذیری از آن هستند. در این چارچوب نظری کارویژه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند که شامل کارویژه‌های سیستمی، کارویژه‌های فرایندی و کارویژه‌های سیاست گذاری می‌شوند.

کار ویژه‌های سیستمی، دخالت مستقیم در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی ندارند ولی برای نظام سیاسی اهمیتی بنیادین دارند که شامل جامعه‌پذیری، گزینش کارگزاران و ارتباط‌گیری می‌شوند. جامعه‌پذیری سیاسی در برگیرنده خانواده، مدرسه، رسانه‌های ارتباطی، نهاد مذهبی و تمامی ساختارهای سیاسی مختلفی است که ایستارهای سیاسی جامعه را به وجود آورده، تقویت کرده و تغییر می‌دهند. گزینش کارگزاران سیاسی به انتخاب افراد برای فعالیت‌های سیاسی و مناصب حکومتی اشاره دارد. ارتباط‌گیری سیاسی نیز بر جریان یافتن اطلاعات در دل جامعه و ساختارهای مختلف تشکیل دهنده نظام سیاسی است. این سه کارویژه را کارویژه‌های سیستمی می‌خوانیم زیرا آن‌ها تعیین کننده تغییر یا حفظ نظام هستند.

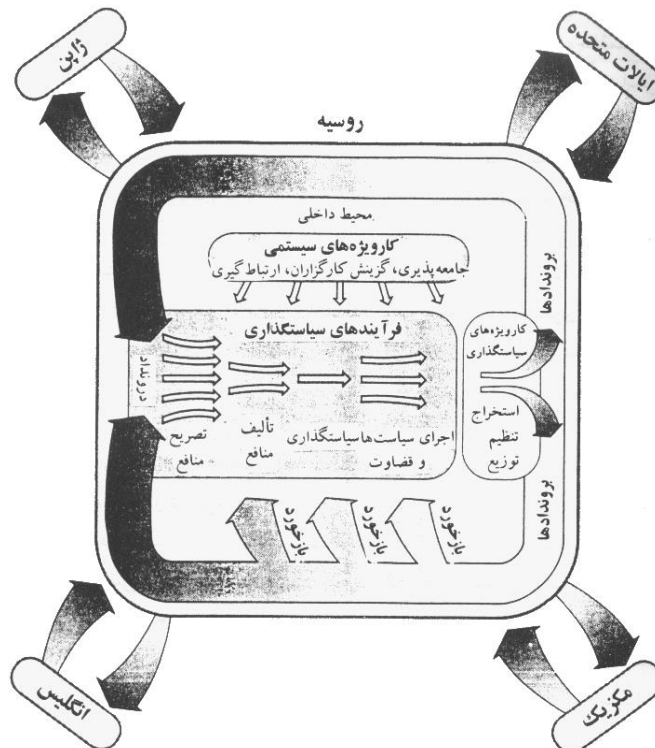
دسته دیگر کارویژه‌ها، کارویژه‌های فرایندی هستند که در فرایند تدوین خط مشی‌ها نقشی مستقیم و ضروری دارند. که شامل مراحل تصریح منافع، تالیف منافع، سیاست گذاری، قضاوت و اجرا می‌شوند که توسط ساختارهایی همچون احزاب، قوه مقننه، مجریان سیاسی، دستگاه‌های دیوانی و دادگاه‌ها به اجرا در می‌آیند.

³- گابریل آلموند، جی، بینگهام پاول جونینور، رابرت جی، مونت، چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ سوم، 1381، ص 5.

سومین دسته از کارویژه‌ها، کارویژه‌های سیاست گذاری می‌باشند که شامل استخراج، تنظیم و توزیع می‌شوند. که همان اثرات اساسی دارد بر جامعه، اقتصاد و فرهنگ هستند و شامل اشکال مختلف تنظیم رفتار، به دست آوردن منابع در قالب مالیات‌ها و نظایر آن، و توزیع مزایا و خدمات میان گروه‌های مختلف مردم می‌باشند.

نتایج تمامی این فعالیت‌های سیاسی با دور زدن سیستم به صورت دروندادهای جدید، تقاضاهای تازه برای اقدام به قانون گذاری یا اجرا، و افزایش یا کاهش میزان حمایت از نظام سیاسی، تحویل سیستم می‌گردد.⁴

شکل 1-1: نمودار نظام سیاسی و ساختارهای آن⁵



⁴- همان، ص 14-15.

⁵- همان، ص 11.

در نظریه ساختاری - کارکردی آلموند، جامعه‌پذیری عبارت است از «شیوه آشنا شدن کودکان با ارزش‌ها و ایستارهای جامعه خویش»⁶ و جامعه‌پذیری سیاسی بخشی از همین فرایند است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد.

در این چارچوب نظری عواملان جامعه‌پذیری سیاسی عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، گروه همسانان، حرفه، طبقه، منزلت اجتماعی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های نفوذ، احزاب سیاسی و تماس مستقیم با ساختارهای حکومت.

در این چارچوب نظری از سه سطح مختلف تمایلات و گرایش‌ها و در واقع ارزش‌های سیاسی در فرهنگ سیاسی خاص هر ملت مورد بررسی قرار می‌گیرد. «هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. همان گونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان تاثیر می‌گذارد»⁷

با توجه به تعریف ارزش‌های سیاسی در این نظریه که عبارت است از: «اهداف مطلوبی که می‌توان آن‌ها را از طریق اقدام سیاسی متحقق ساخت»⁸ تمایلات و گرایش‌ها یعنی ارزش‌های سیاسی در سه سطح سیستمی، فرایندی و سیاست گذاری مورد بررسی قرار می‌گیرند که به شرح ذیل می‌باشد:

1-1-1- تمایلات [ارزش‌های سیاسی] سیستمی

در سطح سیستم، به دیدگاه شهروندان و رهبران درمورد ارزش‌ها و سازمان‌های قوام بخش نظام سیاسی می‌پردازند. و این که نحوه انتخاب رهبران و اطاعت شهروندان از قوانین چگونه است و چگونه باید باشد؟؛ شاید مهم‌ترین جنبه تمایلات سیستمی، سطح و مبنای مشروعیت حکومت باشد. اگر شهروندان باور داشته باشند که باید از قوانین اطاعت کنند در این صورت، مشروعیت حکومت چشمگیر است. اما اگر آنان هیچ دلیلی برای اطاعت نیابند یا تنها از روی ترس اطاعت کنند مشروعیت حکومت پایین است. حکومتی که از مشروعیت بالایی برخوردار است در تدوین و اجرای سیاست‌ها موفق‌تر خواهد بود و احتمال بیشتری دارد که بتواند بر سختی‌ها و فراز و نشیب‌ها غلبه نماید. حفظ نظام، سازگاری‌پذیری نظام دو ارزش سیاسی سیستمی هستند.

⁶- همان، ص 57.

⁷- همان، ص 71.

⁸- همان، ص 256.

2-1-1- تمایلات [ارزش‌های سیاسی] فرایندی

در سطح فرایند به تمایلات افراد برای درگیر شدن در فرایند یعنی طرح تقاضا، اطاعت از قوانین، حمایت از برخی گروه‌ها و مخالفت با برخی دیگر و اشکال مختلف مشارکت می‌پردازند. و افراد بر مبنای زیادی و کمی مشارکت سیاسی به مشارکت جو، پیرو و کوچک‌اندیش تقسیم می‌شوند. متابعت و حمایت نیز از ارزش‌های سیاسی این سطح هستند.

3-1-1- تمایلات [ارزش‌های سیاسی] سیاست‌گذاری

در این سطح آلموند و همکارانش می‌خواهند بدانند که شهروندان و رهبران انتظار چه سیاست‌هایی را از حکومت دارند؟ چه اهدافی قرار است تعیین شود و چگونه باید به آن‌ها دست یافت. برخی ارزش‌ها مانند رفاه، امنیت، آزادی و عدالت، در این سطح قرار می‌گیرند.⁹

با توجه به این که از دیدگاه مقام معظم رهبری ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی همان ارزش‌های اسلامی هستند و از آن ریشه گرفته‌اند؛ «...ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به هیچ وجه تفکیک پذیر نیست، این‌ها با هم یکی است.»¹⁰

لذا ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی همه سطوح سیستمی، فرایندی و سیاست‌گذاری مطابق و بر گرفته از ارزش‌های اسلامی‌اند.

در جمع‌بندی از بخش چارچوب نظری و تبیین پیوند مفاهیم این نظریه باید گفت: در مورد جامعه‌پذیری سیاسی باید روی دو نکته کلی تاکید کرد: نخست این که جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند به شکل انتقال و یادگیری مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. جامعه‌پذیری مستقیم حالتی است که اطلاعات، ارزش‌ها یا احساسات ناظر به مسائل سیاسی به صراحت انتقال می‌یابد. جامعه‌پذیری غیر مستقیم هنگامی رخ می‌دهد که تجربیات ما ناخواسته به دیدگاه‌های سیاسی ما شکل می‌دهد به خصوص دوران کودکی، عملاً در این نوع جامعه‌پذیری موثر است. دومین نکته مهم این که جامعه‌پذیری در سراسر زندگی فرد ادامه می‌یابد. ایستاره‌هایی که در دوران کودکی فرد شکل می‌گیرد، با کسب تجربیات مختلف اجتماعی، پیوسته تعدیل یا تقویت می‌شوند. از این گذشته برخی رویدادها و تجارب خاص ممکن است کل جامعه را متاثر سازند که

⁹- همان، ص 71-82.

¹⁰- نرم افزار به سوی نور، نسخه دوم، ص 69 تاریخ سخنرانی: 1368/3/23.

بیشترین تاثیر را بر روی جوانانی می‌گذارند که تازه وارد زندگی سیاسی شده‌اند؛ ولی بیشتر مردم تا حدی از این رویدادها تاثیر می‌پذیرند. بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی راهی برای انتقال ارزش‌ها و باورهای سیاسی یک نسل به نسل بعد می‌باشد.

و اما در نظریه آلموند، در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نهادهای آموزشی و مذهبی از مهم‌ترین عوامل اند که روحانیت هم نهادی مذهبی - آموزشی به حساب می‌آید. «مذاهب دنیا حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی بی هستند که خواهی نخواهی پیامدهای سیاسی دارند و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تاثیر می‌گذارند. رهبران مذهبی بزرگ، خود را آموزگار مردم می‌دانند و پیروان آن‌ها معمولاً کوشیده‌اند تا از طریق آموزش مدرسی، به جامعه‌پذیری کودکان شکل بخشند و از طریق موعظه و مناسک مذهبی، نومذهبان را از هر سنی که باشند جامعه پذیر سازند.»¹¹

لذا در چارچوب این نظریه روحانیت نقش به‌سزایی در به‌چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی نظام قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد و انتقال ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و همچنین ایجاد ثبات در نظام جمهوری اسلامی دارند. در این پژوهش می‌خواهیم با استفاده از الگو و چارچوب نظری آلموند و همکارانش که در کتاب "چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی" ارائه شده است؛ نقش روحانیت را در جامعه‌پذیری سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی کنیم. که طبق این چارچوب نظری در سطح سیستم (نظام) مشروعیت حکومت مهم‌ترین مساله می‌باشد. زیرا اطاعت و رویگردانی مردم از نظام سیاسی، منوط به ارزیابی مثبت و یا منفی مردم نسبت به نظام سیاسی است. در سطح فرایند، اصلی‌ترین محور، مشارکت سیاسی می‌باشد و اعتماد سیاسی اصلی‌ترین زمینه ایجاد مشارکت است. در سطح سیاست‌گذاری این مساله که چه موضوعاتی برای مردم قابل اهمیت است مهم است که در این تحقیق به ارزش‌های این سطح پرداخته نمی‌شود. لازم به ذکر است که در پژوهش پیش رو به تمامی ارزش‌های انقلاب اسلامی نمی‌توان پرداخت و لازم است دست به انتخاب بزنیم؛ لذاست که در این تحقیق مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

¹¹- آلموند و سایرین، پیشین، ص 65.

بخش دوم: مفاهیم

در این بخش به تعریف مفاهیم به کار رفته در این پژوهش می‌پردازیم. با در نظر گرفتن این نکته که چارچوب نظری متناسب با بحث تحقیق حاضر نظریه ساختاری- کارکردی آلموند می‌باشد که در بخش قبل به تفصیل بیان شد لذا مفاهیم در نهایت در چارچوب این نظریه و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ارائه می‌گردد.

1-2-1- جامعه‌پذیری سیاسی

1-2-1-1- تعریف جامعه‌پذیری

واژه جامعه‌پذیری (socialization) که از اوایل دهه 1920 مورد استفاده انسان‌شناسان و سپس در دهه 1940 مورد کاربرد جامعه‌شناسان، روان‌شناسان¹²، و محققان علوم سیاسی¹³ قرار گرفت، برای اولین بار در قرن نوزدهم توسط رس (Ross) محقق آمریکایی عنوان شد.¹⁴

البته توجه به فرایند جامعه‌پذیری مختص به جوامع معاصر نبوده بلکه در گذشته‌های دور نیز فلاسفه اجتماعی در قالب مباحث تربیت بدنی، وطن دوستی، وطن پرستی، شهروندی و آمادگی شهری و معاشرت اجتماعی پیدا کردن، به این امر توجه داشته‌اند.¹⁵ و جامعه‌پذیری را مترادف تربیت شهروندان (training of citizens) دانسته‌اند که در این صورت ریشه در اندیشه‌های افلاطون پیدا می‌کند.¹⁶

اگرچه واژه تربیت (education) از نظر معنی به لغت جدید یعنی جامعه‌پذیری شبیه بوده است، و هر دو به نوعی دخالت فعال در عرصه زندگی فرد به منظور شکل بخشیدن به آن دلالت داشتند، ولی به قول کورت دانزیگر (Kurt Danziger) تبدیل واژه تربیت به واژه جامعه‌پذیری صرفاً تعبیری لغوی نبوده است؛ بلکه به معنی باز شدن افق جدیدی در علم سیاست بود. به عبارت دیگر ما از حیطة فلسفه اخلاق وارد قلمرو علوم اجتماعی شده ایم.¹⁷ از نظر این اندیشمند واژه تربیت اساساً به ارزش هدف‌ها و فنون توجه دارد در حالی که واژه جامعه‌پذیری به مساله چگونگی و اثربخشی معطوف است. و در چارچوب مطالعات مربوط به

¹²- عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، چاپ دوم، تهران: نشر قومس، 1373، ص 71.

¹³- علی اکبر کمالی، بررسی مفهوم جامعه‌پذیری، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1374، ص 7.

¹⁴- غلامرضا غفاری، نظام آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ و توسعه، شماره 13 و 14، مرداد و شهریور، مهر و آبان، 1373، ص 59.

¹⁵- همان، ص 59.

¹⁶- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 17.

¹⁷- عبدالعلی قوام، پیشین، ص 71.

جامعه‌پذیری مساله روابط فرد با نظم اخلاقی به طور انتزاعی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه با توجه به هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.¹⁸

علی‌رغم این که جامعه‌پذیری قدمت زیادی ندارد، ولی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. انسان‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم ارتباطات و محققان علوم سیاسی هر کدام روند جامعه‌پذیری را از دیدگاه رشته و گرایش خود پیگیری کرده‌اند.¹⁹ و در هر مورد مفروضاتی که تحلیل‌های این اندیشمندان برای توضیح این پدیده‌ها داشته‌اند، متفاوت بوده است. با این حال باید گفت که توصیف کم و بیش مشابهی از روند جامعه‌پذیری مشاهده می‌شود که نشان دهنده درک معینی از این واژه است. هرچند با پیشرفت علوم فاصله‌ها نیز زیادتر گردید.

کورت دانزیگر معتقد است که معانی سیاسی و روان‌شناسی واژه جامعه‌پذیری در مواردی در هم آمیخته‌اند و به همین دلیل افرادی که در ابتدا از این واژه استفاده می‌کردند، مفهوم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و سیاسی آن را در هم آمیختند.²⁰

2-1-2-1- جامعه‌پذیری در رشته‌های علوم اجتماعی

الف) دیدگاه انسان‌شناسان

در این دیدگاه «جامعه‌پذیری به معنای فرهنگ‌پذیری» (Socialization as Enculturation) است. «از نظر انسان‌شناسان فرهنگی مشکل اساسی زندگی اجتماعی، محافظت و انتقال الگوهای مشخص فرهنگی در میان نسل‌هاست. از این نظر، کسب و پذیرش فرهنگ در ساده‌ترین شکل تنها از راه مشاهده و در طول زمان صورت می‌گیرد.»²¹

از دیدگاه انسان‌شناسان، فرهنگ انسانی دارای ویژگی‌های خاصی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از این که: فرهنگ عامل وحدت بخش ارزش‌های اجتماعی است. فرهنگ، تنظیم‌کننده رفتار انسان‌ها و کنترل‌کننده غرایز است. فرهنگ، متمایزکننده جوامع از یکدیگر است. فرهنگ، آموختنی است. فرهنگ، حاصل تجربیات و دانش بشری است که طی قرون و اعصار و طی نسل‌های متمادی فراهم آمده و پیچیده‌تر گردیده

¹⁸- Kurt Danziger, socialization, penguin, London, p. 15.

به نقل از: علی اخترشهر، مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1385.

¹⁹- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 18.

²⁰- همان، ص 18.

²¹- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 18.

است و بالاخره ابعاد مادی و معنوی فرهنگ پیوسته در حال تغییرات تدریجی است که در مجموع و در طی قرون و اعصار به صورت تحولاتی که دوره‌های مختلف تاریخ بشری را از هم متمایز می‌کند، متجلی می‌گردد.²²

لذا طبیعی است از آن جا که هر فرهنگی دارای نظام منسجمی است، فرهنگ‌پذیری افراد نیز کم و بیش قابل مشاهده باشد. هرچند تفاوت‌های فردی نیز به وضوح قابل مشاهده است. ولی تمایل محوری در این دیدگاه مربوط به شباهت‌هایی است که بین شخصیت‌های افرادی که تحت یک مجموعه فرهنگی معین بزرگ شده‌اند، وجود دارد.²³

البته باید متذکر شد که این دیدگاه بیشترین توجه اش به جوامع ساده و ابتدایی است و در جوامع پیچیده امروزی که معمولاً بین کانال‌های اولیه و ثانویه جامعه‌پذیری تعارضاتی وجود دارد، پذیرش چنین نگرشی مشکل می‌نماید.²⁴

ب) دیدگاه روان‌شناسان

در این دیدگاه فرایند جامعه‌پذیری، عملی جهت کنترل غرایز انسانی است و «محرک‌های غیر قابل قبول اجتماعی از طریق آموزش در زمینه یک نظام اجتماعی رام می‌گردند.»²⁵ یعنی این که ما به این دلیل جامعه پذیر می‌شویم که متوانیم غرایز وحشی خود را کنترل نماییم.

در حقیقت روان‌شناسان در پی این موضوع هستند که افراد به چه انگیزه‌ای و از روی چه غرایزی در فعالیت سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کنند. همچنین این سوال برای آن‌ها مطرح است که؛ در فرآیند جامعه‌پذیری فرد، سهم فطرت مهم‌تر است یا تربیت؟

که «معتبرترین نتیجه علمی این است که فطرت و تربیت هر دو در جامعه پذیر کردن فرد سهیم‌اند.»²⁶

ج) دیدگاه جامعه‌شناسان

در این دیدگاه جامعه‌پذیری به عنوان روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارهای فرد دارد. «در این دیدگاه تاکید بر این است که درک شود افراد چگونه

²²- محمود روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار، 1367، ص 16-26.

²³- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 24.

²⁴- حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، جزوه درسی، نیمسال اول سال تحصیلی 1366-67، ص 91.

²⁵- ملوین ال. دفلور و سایرین، مبانی جامعه شناسی، حمید خضرنجات، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، زمستان 1371، ص 177.

²⁶- عبدالحسین نیک گهر، مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات رایزن، 1369، ص 47.

آموزشی می‌بینند تا انتظارات هنجاری و نقش گروهی متعلق به خود را بپذیرند.²⁷ در این جا تکیه بر روی واقعیت اجتماعی جامعه‌پذیری می‌شود، که افراد به وسیله آن، خود را با ساختارهای «هنجاری» (Normative) جامعه انطباق می‌دهند. نظریه «نقش اجتماعی» (social-role-theory) پیرامون همین موضوع ارائه شد و جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اجتماعی بحث‌های زیادی در این زمینه کرده‌اند که از جمله چارلز هورتن کولی و جرج هربرت مید می‌باشند، که به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد.

از مزایای این دیدگاه این است که عوامل عینی را در نظر می‌گیرد، زیرا فرض بر این است که یادگیری در هنگام انتقال سببل‌ها و رفتارهای کارگزاران جامعه‌پذیری، مانند خانواده صورت می‌گیرد.²⁸

اگر بخواهیم همین تعاریف را در یک دسته بندی مشخص ارائه کنیم، می‌شود به دو نگاه کلی انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان تقسیم بندی نمود. انسان‌شناسان جامعه‌پذیری را به معنای فرهنگ‌پذیری می‌دانند. از این دیدگاه، فرهنگ دارای ویژگی وحدت بخش ارزش‌های اجتماعی، تنظیم کننده رفتار انسان‌ها کنترل کننده غرایز، نماینده جوامع از یکدیگر، انسجام و تغییر توام با تفسیر تدریجی می‌باشد و وظیفه اصلی جامعه و نظام حاکم، حفظ و انتقال الگوهای فرهنگی به نسل جدید است اما جامعه‌شناسان جامعه‌پذیری را روندی می‌دانند که ضمن شکل دادن رفتارهای فرد، وی را برای زندگی بهتر در اجتماع آماده می‌سازد. تاکید این دسته از جامعه‌شناسان بر واقعیت اجتماعی «جامعه‌پذیری» است که افراد به وسیله آن، خود را با ساختارهای هنجاری جامعه انطباق می‌دهند. با توجه به این تعاریف و نظرگاه‌ها می‌توان نتیجه گرفت، که «جامعه‌پذیری» امری نسبی است؛ یعنی فرایند جامعه‌پذیری در یک جامعه و فرهنگ خاص آن می‌باشد، «جامعه‌پذیری» عاملی برای انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل جدید است و همین حرکت به ثبات و دوام جوامع و نظام حاکم کمک می‌کند و در یک کلام آن که جامعه‌پذیری فرایند انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به فرد است.

برای ارائه تعریفی از جامعه‌پذیری سیاسی، بیان تعریف جامعه‌پذیری لازم به نظر می‌رسد. برای جامعه‌پذیری از دیدگاه‌های مختلف -انسان شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی تعاریف گوناگونی بیان شد. در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود و سپس در نهایت از نتیجه آن‌ها تعریف مورد نظر این تحقیق بیان می‌گردد.

²⁷-ملوین ال. دفلور و سایرین، پیشین، ص 176.

²⁸-علی اکبر کمالی، پیشین، ص 27.

«جامعه‌پذیری عبارت است از مراحل طی که شخص طی آن خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد، که مهم‌ترین پیامد آن، شناختی است از خود به عنوان یک موجود استوار اجتماعی، که به وسیله هنجارها، نقش‌ها و روابط با دیگران هدایت می‌شود.»²⁹

و یا این که در «فرهنگ علوم رفتاری» برای جامعه‌پذیری تعریف دیگری بیان شده است که جامعه‌پذیری را «فرایندی می‌داند که به وسیله آن فرد راه‌ها، افکار، معتقدات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد می‌گیرد و آن‌ها را جزء شخصیت خویش می‌نماید.»³⁰

اما همان طور که قبلاً ذکر شد تعریف آلموند از جامعه‌پذیری عبارت است از شیوه آشنا شدن کودکان با ارزش‌ها و ایستارهای جامعه خویش».

از آن جایی که تعاریف در علوم اجتماعی جامع و کامل نیستند و همچنین ما در پی ارائه تعریف دقیق و بی‌کم و کاست از مفهوم جامعه‌پذیری نیستیم؛ اما از طرفی با توجه به این که در این پژوهش به دنبال یافتن دیدگاه مقام معظم رهبری هستیم؛ لذا لحاظ کردن دیدگاه ایشان در تعاریف بسیار اساسی می‌نماید. به همین جهت و با توجه به این مطلب که با نگاه کلی به بیانات ایشان این مساله کاملاً مشهود است که در مساله جامعه‌پذیری سیاسی بیش از همه ابعاد فرهنگ سیاسی، ارزش‌های سیاسی مد نظر ایشان است. با در نظر گرفتن این نکات و از مجموع تعاریف مختلف ارائه شده و همچنین با استفاده از چارچوب نظری آلموند و تعریف جامعه‌پذیری از نظر وی، می‌توان چنین از جامعه‌پذیری برداشت کرد که:

«جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن شخص با محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند؛ آشنا شده و از آن تاثیر می‌پذیرد. مسلماً ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های جامعه، در زندگی و شخصیت هر یک از اعضای آن تاثیر می‌گذارد و این امر با توجه به جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، متفاوت است. و به همین دلیل می‌توان گفت، جامعه‌پذیری مفهومی کاملاً نسبی است؛ یعنی مقصود آن اجتماعی شدن در یک جامعه و فرهنگ با ارزش‌های خاص آن جامعه می‌باشد.»

3-1-2-1- تعریف جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی نیز دارای قدمت زیادی نیست، هرچند مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی در قالب عنوان‌های دیگر سابقه طولانی را دارد و آن را در اندیشه افلاطون می‌توان یافت، که جامعه‌پذیری سیاسی را

²⁹- Rogers Cruton, a dictionary of political thought, London: The Macmillan press LTD, 1986, p.428.

³⁰- علی‌اکبر شعاری‌نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1364، ص 415.

مترادف با تربیت شهروندان³¹ و ایفای نقش شهروندی³² گرفته بود، که بیشتر به جنبه‌های عمومی آن توجه داشته و نه اینکه یک رشته اختصاصی بوده باشد.

در اوایل قرن بیستم نیز اندیشمندانی به بین موضوع پرداختند از جمله چارلز مریام که ضمن بررسی آماده سازی شهروندان، روش‌های مختلفی که در این زمینه مورد اسفاده قرار می‌گیرد را در کشورهای همچون آلمان، فرانسه، بریتانیا و آمریکا مورد مطالعه قرار داده و جامعه‌پذیری سیاسی را «آماده‌سازی کیفیت‌ها» (cultivating qualities) بیان می‌کند. اما شکل‌گیری جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان یک رشته علمی با انتشار کتاب «جامعه‌پذیری سیاسی» هربرت هایمن به سال 1959 بر می‌گردد که جانی تازه گرفته و وارد مطالعات علوم سیاسی شد.³³ و اهمیت جامعه‌پذیری سیاسی به خاطر سرعت تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نسبت به گذشته بیشتر گردیده است.³⁴

به این نکته باید اشاره کرد که؛ نظریه جامعه‌پذیری سیاسی مهره‌ای از یک مجموعه تئوریک گسترده‌تر و جزئی از تئوری «ساختاری - کارکردی» (structural-functional) محسوب می‌شود. تالکوت پارسونز محقق سر شناس آمریکایی با ارائه این نظریه تحول عظیمی را در علوم اجتماعی پدید آورد، و اثرات آن نیز به علوم سیاسی کشیده شد.³⁵ این نظریه در واقع از بطن نظریه عمومی تحلیل نظام‌ها زاییده شده که در حوزه سیاست - همان طور که اشاره شد- اولین مرتبه تالکوت پارسونز آن را به کار گرفت. و نظریه پردازان این نحله معتقدند که این نظریه اصولاً بر مبنای نیازهای کارکردی جوامع انسانی استوار شده است.³⁶

پیرامون تعریف جامعه‌پذیری سیاسی تنها به این مطلب توجه داده می‌شود که، ریشه مفهوم جامعه‌پذیری را می‌توان در اندیشه نظریه پردازان اصلی جامعه‌شناسی سیاسی یعنی مارکس، ماکس وبر و تالکوت پارسونز مشاهده کرد؛ ولی هر کدام از آن‌ها با مفهوم خاص خود بهروند جامعه‌پذیری سیاسی اشاره می‌کنند. مارکس و وبر هر چند به صورت گسترده در این مورد چیزی نگفته‌اند، ولی به جای مفهوم جامعه‌پذیری از «تلقین کردن» (indoctrination) استفاده کرده‌اند، و منظورشان این بوده که نهادهای مختلف یک جامعه چگونه برای رشد ارزش‌های اساسی تلاش می‌کند. مارکس توجه خاصی به مفهوم ایدئولوژی داشته و درصدد بیان

³¹- همان، ص 33.

³²- هرمز مهرداد، پیشین، ص 7.

³³- علی‌اکبر کمالی، پیشین، ص 32 و 33.

³⁴- غلامرضا غفاری، پیشین.

³⁵- هرمز مهرداد، پیشین، ص 8.

³⁶- سیدحسین سیف‌زاده، نظریه‌های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس، 1373، ص 81.

این بود که نشان دهد چگونه نهادهای مختلف جوامع سرمایه داری در پی انتشار افکار مناسب برای خود هستند. اما ماکس وبر بیشتر روی موضوع مشروعیت تکیه می کند و معتقد است که حاکمان به هر وسیله‌ای در پی ایجاد مشروعیت برای خود هستند.³⁷

و اما پارسونز از مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی استفاده می کند و سعی می کند که نشان دهد که مردم چگونه الگوهای رفتاری خود را کسب می کنند.³⁸

در این جا به چند تعریف مطرح از جامعه‌پذیری سیاسی اشاره می کنیم و در نهایت از مجموع آن‌ها تعریف مورد نظر این تحقیق را بیان می کنیم:

«مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی نسبت به مفهوم جامعه‌پذیری گسترده‌تری دارد و تنها حوزه مسایل سیاسی را در بر می گیرد. هدف جامعه‌پذیری سیاسی تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند.»³⁹

«جامعه‌پذیری سیاسی راهی است که یک جامعه فرهنگ سیاسی خود را دائمی می سازد.»⁴⁰ و یا این که «جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که به وسیله آن فرهنگ ههاد سیاسی شکل می گیرد، باقی می ماند و تغییر می کند.»⁴¹

در جای دیگر این چنین تعریف شده است که «جامعه‌پذیری سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می برند. در این فرایند ارزش‌ها ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. امکان دارد در جریان این انتقال تغییرات و یا تعدیلهایی نیز صورت پذیرد.»⁴² آلموند و پاول گفته اند: «جامعه‌پذیری سیاسی روند حفظ یا دگرگونی فرهنگ‌های سیاسی است. بنا به این روند افراد وارد فرهنگ سیاسی می شوند و سمت‌گیری‌هایشان نسبت به هدف‌های سیاسی شکل

³⁷- ژولین فروند، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ دوم، تهران: انتشارات راین، 1368، ص 240.

³⁸- آلون استانفورد کوئن، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس، 1369، ص 20.

³⁹- اردشیر بهرامی معرفی و نقد کتاب مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره 7، مهر 1387، ص 48.

⁴⁰ - Michael G. Roskin, et al., Political Science, An Introduction, New Jersey; Prentice - Hall international Inc., 1988, p. 141.

به نقل از: عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، 1388، ص 117.

⁴¹- Gabriel A. Almond, and Bingham powell jr; Comparative Politics, System, Pocesawl policy, little Brown and company Boston, 1387, p. 79.

³- مونتی پالمر، لاری اشترن، چارلز گایل، نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاست و بین‌المللی، 1371، ص 98.

می‌گیرد.⁴³ در جامعه‌پذیری باید تداوم، انقطاع و همگونگی پیام‌های فرهنگ سیاسی مورد توجه قرار گیرد. لذا جامعه‌پذیری هرگز پایان نمی‌پذیرد، و از این رو شخصیت سیاسی افراد همواره در حال دگرگونی است.⁴⁴ به عقیده سیگل، جامعه‌پذیری سیاسی «یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر است.»⁴⁵

تعریف دیگر عبارت است از: «جامعه‌پذیری جوان‌ها از نظر سیاسی عبارت است از تحصیل و اکتساب تدریجی هنجارها، گرایش‌ها و رفتار مورد پذیرش و معمول نظام سیاسی موجود.»⁴⁶ رونالد چیلکوت نیز در تعریف جامعه‌پذیری سیاسی چنین می‌گوید: «جامعه‌پذیری سیاسی حول نقش‌های فردی محتوا و عاملان فعال در فرایند یادگیری در مورد سیاست دور می‌زند.»⁴⁷ و از نظر آلموند «جامعه‌پذیری سیاسی، شیوه آشنا شدن کودکان با رزش‌ها و ایستارهای جامعه خویش است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد.»⁴⁸

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نظر آلموند که چارچوب نظری پژوهش از آن گرفته شده و از طرفی نظرات مقام معظم رهبری و همچنین با در نظر گرفتن ابعاد مختلف این موضوع به نظر می‌رسد مواردی مانند: چگونگی درونی کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی و وظایف امروز نهاد روحانیت در موضوع جامعه‌پذیری سیاسی باید به صورت مبسوط در فصل آخر (نتیجه‌گیری) مورد کنکاش قرار می‌گیرد. و در نهایت تعریف نهایی مورد نظر در این پژوهش از جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از: «روندی که افراد به وسیله آن، دیدگاه‌ها، الگوهای رفتار سیاسی و ارزش‌های سیاسی را کسب کرده و به وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آگاه می‌شوند و موجب انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌شوند؛ که این خود مقدمه‌ای برای ایجاد ثبات در نظام سیاسی مروج این ارزش‌ها می‌باشد؛ فلذا می‌توان گفت که بستر و حوزه مطالعه جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی است.»

⁴³- Almond and Powell, comparative politics: A developmental Approach Boston: little Brown and co, 1, 78 p. 64.

به نقل از: علی اخترشهر، پیشین.

⁵- آلموند، پاول، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره 113 و 124، 1375.

⁴⁵- Robert Sigel, Assumption about the learning Of Political values in: the Annual of the American Academy.

به نقل از: علی اختر شهر، پیشین، ص 39.

⁷- کریستین، ریو، رابرت او، مک ویلیامز، صدای مردم، ترجمه محمود عنایت، تهران: انتشارات کتاب سرا، 1365، ص 123.

⁸- رونالد چیلکوت، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید ده بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات رسا، 1377، ص 358.

⁴⁸- گابریل آلموند، و سایرین، پیشین، ص 57.

4-1-2-1- چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی

سؤال این است؛ جامعه‌پذیری سیاسی طی کدام مراحل همراه با چه روش‌هایی صورت می‌پذیرد؟ برای پاسخ به پرسش فوق باید به پرسش اصلی محققین جامعه‌پذیری سیاسی توجه نمود، از لابه‌لای مباحث و نوشته‌های آنان به دست می‌آید که سؤال اصلی عبارت است اینکه؛ چه کسی، چه چیزی را، از چه کسی، تحت چه شرایط محیطی و با چه اثری می‌آموزد؟⁴⁹ اینکه چه کسی می‌آموزد؟ یعنی در روند جامعه‌پذیری سیاسی چه افرادی مخاطب قرار می‌گیرند؟ محققان عقیده دارند که جامعه‌پذیری سیاسی، روندی است که در همه عمر ادامه دارد. یعنی همه انسان‌ها و در همه مراحل زندگی خود، ممکن است گرایش‌ها و ارزش‌های سیاسی و غیرسیاسی جدیدی را فرا بگیرند. لذا مخاطبین جامعه‌پذیری سیاسی از کودک گرفته تا افراد کهنسال را شامل می‌شود.

اما اینکه چه چیز را می‌آموزند؟ در گذشته در تعریف جامعه‌پذیری سیاسی بیان شد که تقریباً تمام اعتقادات، ارزش‌ها، عقاید و وظایف سیاسی را می‌آموزند. و اما اینکه از چه کسی، تحت چه شرایطی این امر صورت می‌گیرد؟ بحث از کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی به میان می‌آید، و این کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی این وظیفه را بر عهده دارند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که؛ جامعه‌پذیری سیاسی با چه روش‌هایی صورت می‌گیرد؟ منظور از روش جامعه‌پذیری راهی است که ساختارهای موجود، عمل جامعه‌پذیری را انجام می‌دهند. شاید روش‌ها و شیوه‌های متعددی وجود داشته باشد، ولی معمولاً محققین به دو روش اشاره می‌کنند که عبارتند از:

1. روش آشکار یا مستقیم (Manifest)

2. روش پنهان یا غیرمستقیم (Latent)

منظور از جامعه‌پذیری سیاسی آشکار، روشی است که در آن ارزش‌ها و احساسات یعنی از نظام سیاسی، به طور مستقیم و واضح در ذهن افراد قرار داده می‌شود. در این روش برای انتقال این ارزش‌ها، ارتباطی آشکار بین ساختار سیاسی و افراد وجود دارد.

⁴⁹ - علی اکبر کمالی، پیشین، ص 42.

آموزش رسمی در نهادهای آموزشی، سخنرانی و استفاده از وسایل ارتباطی جمعی در مکان‌های عمومی برای تبلیغ ثبات سیاسی، تغییرات سیاسی و غیره، نمونه‌ای از راه‌های معمول در جامعه‌پذیری سیاسی آشکار است.⁵⁰

و منظور از جامعه‌پذیری پنهان یا غیرمستقیم، روشی است که با انتقال گرایش‌های غیرسیاسی که بر نقش‌ها و حقایق مشابه سیاسی اثر می‌گذارند، انجام می‌شود. این روش معمولاً اثری عمیق و ریشه‌ای دارد، ولی کم و بیش به صورت خودکار انجام می‌گیرد. مثلاً کودکی که در دوران طفولیت گرایش‌های کلی در مورد همکاری یا ستیز با دیگران به دست آورده، ممکن است همین گرایش‌ها را در مورد رهبران سیاسی یا دیگر شهروندان نیز در پیش بگیرد.⁵¹

البته بعضی از محققین آموخته‌های تصادفی افراد را نیز در جامعه‌پذیری سیاسی آنان مؤثر می‌دانند. این آموخته‌های تصادفی را نیز می‌توان نوعی جامعه‌پذیری سیاسی پنهان یا غیرمستقیم دانست. در این جا به نظر می‌رسد اشکال جامعه‌پذیری سیاسی نیز زیرمجموعه روش‌ها و چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌شوند و لازم است اشاره‌ای به آنها نمود.

5-1-2-1- اشکال جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی به دو روش مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد که هر کدام به اشکال متنوعی انجام می‌گیرد که عبارت‌اند از:

اشکال جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم

الف) روش تقلید

روش تقلید در جامعه‌پذیری سیاسی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم است. در این روش، یادگیری سیاسی انسان‌ها در دوره‌های مختلف (کودکی، نوجوانی، جوانی و...) مبتنی بر تقلید می‌باشد که شامل ارزش‌های سیاسی، رفتارهای سیاسی، مهارت‌ها، انتظارات و توقعات سیاسی و نگرش‌های سیاسی است.

⁵⁰- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 44.

⁵¹- همان، ص 45.

تقلید ممکن است، آگاهانه و یا ناآگاهانه صورت پذیرد؛ به عنوان مثال: کودکان بخش اعظمی از عقاید، نظریات و خصوصیات رفتاری، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی والدین و معلمان خود را کسب کرده، در خود، نهادینه می‌نمایند و یا اشخاص، نگرش‌ها و نظریات افرادی را که با آنها مراوده دارند و به آنها علاقمند می‌باشند، به آسانی می‌پذیرند.

تقلید ممکن است، به صورت مثبت و یا منفی بروز کند. تقلید مثبت، عمل بر اساس الگوهای رفتاری مورد قبول می‌باشد، ولی تقلید منفی، مخالفت با الگوها، ارزش‌ها، نظریات و اعتقادات است که حکومت در پی انجام و مبلغ آن می‌باشد.

در جامعه‌ای که تقلید منفی به صورت نهادینه درآید، نظام سیاسی چاره‌ای جز تغییر الگوها، واگذاری قدرت و یا گزینش شیوه استبدادی ندارد.⁵²

ب) جامعه‌پذیری پیش بینی شده

روش جامعه‌پذیری پیش بینی شده آن است که افراد برای آینده خود، حرفه و شغل مشخص را در نظر می‌گیرند و برای دست یابی به آن و بالا بردن ضریب موفقیت در آن شغل، از اعمال و رفتارهای دارندگان شغل، تقلید می‌کنند؛ به عنوان مثال افرادی که به پست‌های سیاسی علاقه مند هستند، برای ایجاد آمادگی در خود برای احراز همان پست، از حرکات و رفتارهای اجتماعی و سیاسی سیاستمداران تقلید می‌کنند. البته از این روش در جامعه‌پذیری سیاسی کم‌تر استفاده می‌شود. این روش شباهت زیادی به روش تقلید دارد.⁵³

ج) آموزش سیاسی

شیوه آموزش سیاسی در جامعه‌پذیری سیاسی برای انتقال گرایش‌ها و نگرش‌های سیاسی از جانب دولت و گروه‌های دیگر به نسل جدید، امری ضروری است. نهادهایی چون خانواده، مدرسه، سازمان‌ها و موسسات دولتی و گروه‌های اجتماعی و سیاسی مستقر در جامعه می‌توانند و به عبارت بهتر بایستی دست به آموزش سیاسی بزنند. آموزش مستقیم ارزش‌ها و رفتارهای مهم سیاسی و ترویج اصول آن، چه از طریق کانال‌های رسمی و چه از طریق کانال‌های غیر رسمی ضروری است.

⁵² - هرمز مهرداد، پیشین، ص 86.

⁵³ - همان.

در آموزش سیاسی بایستی شهروندان را نسبت به وظایف، تعهدات و حقوق سیاسی و اجتماعی خود آگاه کرد و از جریاناتی که در درون نظام سیاسی در جریان است، مطلع ساخت، چرا که شهروندانی که فاقد چنین اطلاعاتی باشند، نه می‌توانند مشکلات خود را حل نمایند و نه یارای برداشتن باری از دوش دولت دارند. نظام سیاسی از طریق آموزش سیاسی، احساس وفاداری به نظام، حسن میهن پرستی، وابستگی به نهادها و ارزش‌های سیاسی را در شهروندان تقویت می‌کند و بدین وسیله مشروعیت و سطح پشتیبانی از نظام را ارتقا می‌دهد که موجب استحکام، حفظ و تداوم نظام سیاسی می‌شود.

د) تجربیات سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی از طریق تجربیات سیاسی به این معنا است که فرد از برخورد با شخصیت‌های سیاسی، ساخت‌ها نهادها و وقایع سیاسی، تجربیاتی را در باره سیاست می‌آموزد که در نحوه رفتار سیاسی او اثر می‌گذارد؛ چرا که مشاهدات سیاسی و مشارکت در فرایند سیاسی گرایش‌های سیاسی فرد را شکل می‌دهد.

اگر افراد جامعه احساس کنند، در فرایند تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند تاثیر گذار باشند، تمایل بیشتری برای شرکت در فعالیتهای سیاسی از خود بروز می‌دهند، پس لازم است، شرایطی فراهم شود تا شهروندان به درجه اعتماد به نفس سیاسی برسند. به طور کلی، اعتماد به نفس سیاسی در محیطی رشد می‌کند که دولت‌ها نسبت به نیازها و تقاضاهای عمومی پاسخگو باشند و شخص احساس کند، در تحقق نیازها و آرزوهایش به موفقیت‌هایی دست یافته است؛ البته این نوع از جامعه‌پذیری در بزرگسالان متداول‌تر از دوره کودکی است. چون امکان تماس با مقامات و سازمان دولتی و سیاست‌های آن‌ها برای شهروندان بزرگ سال بیشتر فراهم می‌باشد.

اشکال غیر مستقیم جامعه‌پذیری سیاسی

الف) شیوه انتقال از طریق روابط متقابل (روابط شخصی)

کودک در این روش می‌تواند به خوبی به اتکای تجربیاتی که در محیط خانواده و مدرسه کسب کرده، زمینه‌هایی که در رابطه با خود با اقتدار و قدرت در دو محیط خانواده و مدرسه کسب کرده، واکنش مناسبی را برای اقتدار و قدرت سیاسی از خود نشان می‌دهد؛ یعنی روابطی که کودک در آینده با عوامل صاحب اقتدار و با قدرت سیاسی خواهد داشت، احتمالاً از کنش-واکنش که وی در دوران کودکی در برخورد با والدین و اولیای مدرسه تجربه کرده، بهره فراوان خواهد برد و چنین تجربیاتی بر رفتار او آثار قابل ملاحظه‌ای خواهد

داشت؛ در واقع تجربیات هر فرد در دوره کودکی موجب تاثیر درانتظارات و توقعات وی در حوزه سیاسی در سنین بعد از کودکی می‌شود، البته این شیوه شامل گروه‌های هم سال، احزاب نیز می‌شود.

ب) شیوه شاگردی

در این روش، تجربیات و رفتار شخص در امور غیر سیاسی، سبب کسب مهارت‌ها، تخصص‌ها و ارزش‌هایی می‌شود که وی به طور مستقیم در زمینه‌های سیاسی از آنها بهره‌برداری می‌کند فعالیت‌های غیرسیاسی به نوعی، تمرین و شاگردی برای فعالیت‌های سیاسی به حساب می‌آید؛ یعنی هر فردی با کسب تجربیات از فعالیت‌های غیرسیاسی، به مهارت‌ها، ارزش‌ها و بینش‌هایی دست می‌یابد که راه را برای ورودی به جهان سیاست و فعالیت‌های سیاسی هموار می‌سازد.

نظام سیاسی در معادله بین تجربیات به دست آمده، از فعالیت‌های غیرسیاسی در میزان مشارکت فرد در فعالیت‌های سیاسی، نقش مهمی ایفا می‌کند؛ به عنوان مثال اگر نظامی اقدام شهروندان را در مشارکت سیاسی تضعیف نماید و یا شرایط سختی را برای مشارکت سیاسی آنها در نظر بگیرد و یا مشارکت سیاسی برای فرد، مخاطرات جانی و مالی را در پی داشته باشد، چنین ورودی در فعالیت سیاسی دارد نخواهد شد؛ اگر چه در دوران کودکی و پس از آن، از تجربیات زیادی برخوردار شده باشد، ولی این تجربیات و مهارت‌های به دست آمده، در مشارکت سیاسی فرد تأثیرگذار نخواهد شد؛ در واقع مشارکت در نهادهای نخستین تحت تأثیر ارزش‌ها و معیارهای نظام سیاسی قرار می‌گیرد و دارای تأثیر و تأیید متقابل نسبت به یکدیگر می‌باشند.⁵⁴

پس در این روش، افراد زمینه ورود به فعالیت‌های سیاسی را پیدا می‌کنند و هم، الگوهای فرهنگی موجود در آنها نهادینه و مورد قبول واقع می‌شود.

ج) شیوه تعمیم

تعمیم گرایش‌ها و تمایلات از یک حوزه اجتماعی به حوزه دیگر، از روش‌های غیرمستقیم جامعه‌پذیری سیاسی برای حفظ الگوهای فرهنگی به حساب می‌آید؛ یعنی ارزش‌های اجتماعی و الگوهای فرهنگی و عقیدتی به عوامل سیاسی تعمیم داده می‌شود.

6-1-2-1- کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی

⁵⁴ - علی اکبر کمالی، پیشین، ص 66.

برای جامعه‌پذیری کارکردهایی همچون: ایجاد مهارت لازم برای زندگی در جامعه، آموزش شیوه برقراری ارتباط با دیگران همچون توانایی خواندن، نوشتن و سخن گفتن، برآورده کردن نیازهای جسمانی به شیوه مقبول و ملکه ذهن نمودن ارزش‌ها و باورهای جامعه را نام برد.⁵⁵ و همچنین برای جامعه‌پذیری سیاسی نیز کارکردهایی می‌توان بیان کرد، از جمله این که؛ ترتیب افراد جامعه در بستر ارزش‌های سیاسی رایج، که این امر باعث می‌شود افراد جامعه شیوه ارتباط برقرار کردن با نظام سیاسی و انتظاراتی که از آنها می‌رود را به خوبی انجام دهند. همچنین جامعه‌پذیری سیاسی با ایجاد شرایط مناسب، شرایط را برای آموزش اعضاء جامعه و ایفاء نقش کامل آنان فراهم می‌آورد. همچنین جامعه‌پذیری کمک می‌کند که تغییرات و تحولات سیاسی به آرامی صورت پذیرد. و بالاخره این که یکی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی «حفظ ثبات و پایداری» یک نظام سیاسی است.

همان گونه که در تعریف جامعه‌پذیری سیاسی بیان شد که جامعه‌پذیری سیاسی با انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر موجبات حفظ و نگهداری ارزش‌های سیاسی و یا تغییرات آن می‌گردد و همچنین در مواقع بحرانی شرایط خلق ارزش‌های سیاسی جدیدی را موجب می‌شود، می‌توان سه کار ویژه را استخراج کرد، که عبارتند از:

1. حفظ و نگهداری ارزش‌های سیاسی، این که چگونه در فرآیند جامعه‌پذیری در یک جامعه فرهنگ سیاسی را حفظ و حراست می‌کند.
2. تغییر و تحول در ارزش‌های سیاسی، از آنجایی که جوامع دائماً در حال تغییر و تحول و جایگزینی پدیده‌های نوین می‌باشد جامعه‌پذیری سیاسی نیز تحت این فشار قرار دارد و باید به گونه‌ای متناسب فرهنگ سیاسی را با تغییرات ایجاد شده متحول ساخته و هماهنگ نماید.
3. خلق ارزش‌های سیاسی، با اتفاقاتی که در جهان می‌افتد واحدهای مجزایی شکل می‌گیرد و یا گروه‌ها برای حفظ و بقاء خود مجبور به ایجاد یک فرهنگ جدید می‌شوند که در مواقع ایجاد واحدهایی سیاسی جدید این امر خودش را نشان می‌دهد.

برای این که جامعه‌پذیری سیاسی کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد باید در روند آموزش و پرورش مخاطبین خود گونه‌ای عمل نماید که نتیجه آن به تلقین ارزش‌ها، هنجارها و سمت‌گیری‌ها در ذهن افراد

⁵⁵ - بروس کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، 1370، صص 75-76.

منتهی شود، به طوری که به نظام سیاسی خود اعتماد پیدا نمایند، و یا این که دیگر نهادها و کارگزارانی که در نقش و کارکرد جامعه‌پذیری را عمل می‌نمایند، گرایش پیدا کنند. که در این صورت اول- اعتماد به نظام سیاسی- موجبات حفظ و نگهداری فرهنگ سیاسی حاکم نتیجه خواهد داد. و در حالت دوم و سوم - تغییر و تحول و خلق فرهنگ سیاسی - زمینه‌های تقویت فرهنگ سیاسی جدید و موفقیت نهادهای جامعه‌پذیر ظهور فراهم می‌آید. که البته همه این کارها به دو روش فوق‌الذکر انجام می‌پذیرد.

برای جامعه‌پذیری سیاسی از حیث‌های مختلف کار ویژه‌های دیگری را نیز می‌توان اشاره کرد، مثلاً «از نظر حکومت‌ها، جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر جانشینی برای اجبار به صورت ابزار حفظ روابط قدرت طبقه حاکم و جامعه‌پذیری سیاسی به مثابه ابزار بسیج توده‌ها برای تأمین هدف‌های طبقه حاکم و یا دیگر کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی»⁵⁶ نام برد.

7-1-2-1- نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی

نهادها و کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی متعدد می‌باشند، و در جوامع مختلف به خاطر دارا بودن ویژگی‌های خاص خود، دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشند. برای سهولت در این امر شناخت نهاد و کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی - محققان از معیارهای متفاوتی بهره جسته‌اند، و به تقسیم‌بندی و سپس به بررسی هر یک از آنها پرداختند.

یکی از محققین سه معیار را در این زمینه مطرح می‌کند، که عبارتند از:

1. جامعه‌پذیری در درون گروه‌های همسان با هیأتی نهادی شده، همانند خانواده، یا مدرسه، یا از طریق شیوه‌ای گسترده که یک جمع وسیع را در بر می‌گیرد مانند رادیو و تلویزیون.
2. جامعه‌پذیری بر حسب این که آیا هدف اصلی آن کارگزار، شکل دادن به شخصیت اجتماعی، تربیت و ایجاد اصول و ارائه شناخت باشد یا این که این کارکرد را فقط در کنار هدف‌های دیگری که به عنوان هدف آشکار خود دنبال می‌کند، به شیوه‌ای کاربردی اعمال نماید.

⁵⁶ - عبدالرحمن عالم، پیشین، ص 119.

3. گروه‌ها و نهادهایی که به گروه‌های سنی ناهمگن، یعنی گروه‌ها و نهادهایی که اعضای وابسته به آنها در سنین مختلف هستند، تعلق دارند. مانند خانواده یا اتحادیه کارگری و گروه‌هایی که دارای اعضای هستند که معمولاً از گروه‌های سنی همگن هستند. مانند گروه دوستان یا افراد نهضت جوانان.⁵⁷ این اشتات این تمایز اخیر را در تحقیق مهم خود راجع به نسل‌ها یا گروه‌های سنی با کار گرفته است.⁵⁸

نویسندگان دیگر هر یک بر اساس معیاری خاص به یک تقسیم‌بندی توجه کرده‌اند. به عنوان مثال در کتاب «بررسی مفهوم جامعه‌پذیری» به کارگزاران جامعه‌پذیری در دوره‌های سنی مختلف توجه شده، و از این طریق - گروه‌های سنی مختلف - به تأثیر نهادها در جامعه‌پذیر کردن افراد پرداخته است که مطالعه موردی آن نیز در مورد ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.⁵⁹ یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که می‌توان نسبت به نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی ترسیم کرد، تفکیک آن به نهادهای درون سیستمی و برون سیستمی است. در این تقسیم‌بندی معیار، وابستگی نهادهای جامعه‌پذیری به سیستم سیاسی حاکم می‌باشد.

در گروه نخست - نهادهای درون سیستمی - مجموعه کارگزارانی که به نحوی از طریق دولت در امر جامعه‌پذیری سیاسی نقشی ایفاء می‌کنند و از امکانات، تجهیزات نظام سیاسی بهره می‌جویند و یا این که خودشان جزئی از سیستم سیاسی حاکم می‌باشند، قرار می‌گیرند، که می‌توان به مجموعه افراد، عناصر و گروه‌های دولتی و وابسته به آنها را مثال زد.

اما در گروه دوم - نهادهای برون سیستمی - مجموعه عواملی که مستقلند به امر جامعه‌پذیری با توجه به اهداف فردی و گروهی خود در جامعه اقدام می‌کنند، نام برد. برای مثال می‌توان به خانواده، گروه‌های مذهبی، روحانیت، همسالان، رسانه‌های غیردولتی و گروه‌ها و احزاب مستقل اشاره کرد.

هر یک از نهادهای فوق در هر تقسیم‌بندی که جای گیرد از شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی بهره می‌جوید تا از طریق جامعه‌پذیری، آموزه‌ها و ارزش‌های سیاسی موردنظر خود را به جامعه و خصوصاً به نسل آینده منتقل نماید، تا زمینه‌های تحکیم جایگاه خود و حاکم نمودن ارزش‌های سیاسی را فراهم آورد.

⁵⁷- گی روشه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، کنش اجتماعی، ج 1، ترجمه نجاتی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، 1367، ص 167.

⁵⁸- همان، ص 168.

⁵⁹- علی اکبر کمالی، پیشین، ص 50.

با توجه به تقسیم‌بندی فوق، موضوع تحقیق که روحانیت می‌باشد جزء گروه‌های مذهبی است که در گروه دوم - نهادهای برون سیستمی - قرار می‌گیرد.

پیرامون گروه‌های مذهبی و خصوصاً روحانیت نظرات متفاوتی وجود دارد، حتی عده‌ای آن را با توجه به معیار گروه‌های سنی متفاوت جزء گروه‌های نخستین قرار داده و نقش مهمی را نیز برای آن بیان می‌کنند. هر چند عده‌ای دیگر آن را در گروه‌های دومین جای می‌دهند، که آن نیز به دلیل انجام فعالیت‌های نهاد مذهب در امور گوناگون می‌باشد. که یک تشکیلات منسجم و مرتبی را می‌طلبد. البته در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش نهاد روحانیت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی می‌توان گفت این نهاد به دو گروه تبدیل شده‌اند عده‌ای مانند رهبر نظام یعنی ولی فقیه و... به صورت فرد یا نهاد مانند مجلس خبرگان جزئی گروه اول یعنی درون سیستمی محسوب می‌شوند و عده‌ای مانند طلاب حوزه‌های علمیه و وعاظ و... به صورت نهاد برون سیستمی و غیر حکومتی به حساب می‌آیند. نفوذ گروه‌های مذهبی در کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت می‌باشد و با شدت و ضعفی که دارد در همه کشورهای مشاهده می‌شود، تا جایی که در بعضی از کشورهای جهان همچون کانادا، لبنان، آلمان و هلند اعتقادات مذهبی یکی از عوامل مهم گروه‌بندی اجتماعی در سطح جامعه محسوب می‌شود.⁶⁰ از آن جایی که گروه‌بندی‌های اجتماعی تأثیر خارق‌العاده‌ای بر گرایش‌های سیاسی افراد دارند و به همین خاطر نیز افراد متعلق به گروه‌های متفاوت، گرایش‌های متفاوتی نیز دارند.

علت عمده تأثیرگذاری در این است که مذاهب دنیا حاملان ارزش‌هایی فرهنگی و اخلاقی هستند که خواه یا ناخواه پیامدهای سیاسی دارد و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارد. رهبران مذهبی بزرگ خود را آموزگار مردم می‌دانند و پیرامون آنها معمولاً کوشیده‌اند تا از طریق آموزش به جامعه‌پذیری کودکان شکل بخشند و از طریق موعظه و مناسک مذهبی، نومذهبان را از هر سنی که باشند جامعه‌پذیر سازند.⁶¹

لذا سعی عمده گروه‌های مذهبی نیز شکل بخشیدن به فرهنگ سیاسی مردم بر اساس تعالیم و اعتقاداتشان می‌باشد که در بعضی موارد همخوانی با فرهنگ سیاسی حاکم دارد و در بسیاری موارد نیز تعارض وجود دارد که موجبات ثبات و تغییر را در نظام سیاسی به وجود می‌آورد.

⁶⁰- هرمز مهرداد، پیشین، ص 170.

⁶¹- آلموند و پاول، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، پیشین، 1375.

با توجه به نقشی که مذهب و گروه‌های مذهبی پیرامون جامعه‌پذیری سیاسی ایفاء می‌کنند، سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی این نقش جامعه‌پذیری سیاسی را در این گروه‌ها برعهده دارند؟ و وظیفه جامعه‌پذیری سیاسی بر اساس تعالیم مذهب بر عهده چه کسانی است؟

همانگونه که اشاره شد رهبران مذهبی خود را آموزگاران مردم می‌دانند و لذا برای رسیدن به هدف خویش معمولاً سازمان‌ها و گروه‌های مذهب را سامان می‌دهند، مثلاً در مسیحیت کلیساها و پدران مذهبی این نقش را عهده‌دار می‌باشد. در مذهب تشیع به خاطر اصول اعتقادی خویش - پیرامون دستگاه رهبری - پیوند نزدیکی بین دین و دنیای مردم وجود دارد. نقش رهبران مذهبی که روحانیت پرچمدار آن می‌باشد نقشی است محوری و بنیانی. لذا اگر توجهی به تاریخ تشیع گردد این امر کاملاً مشهود است، که علاوه بر رهبری دینی مردم، رهبری سیاسی مردم را در بسیاری از مقاطع تاریخی ایران بر عهده داشتند، و این نشان دهنده تأثیر روحانیت به عنوان حاملان دین در امر جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد که سعی می‌کردند ارزش‌های سیاسی خاصی را که بر اساس ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی-شیعی است، را ترویج نمایند و این مسأله در تاریخ معاصر ایران خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران و در نظام جمهوری اسلامی ایران کاملاً مشهود است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که نقش مذهب و گروه‌های مذهبی در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نقش مهم است؛ که این حاکی از نفوذ و عمق اندیشه‌های مذهبی در بین مردم می‌باشد. گروه‌های مذهبی نیز برای سامان دادن ارزش‌های سیاسی خاص خود تلاش می‌کنند و اگر این ارزش‌های سیاسی که ایجاد شده است با نظام سیاسی حاکم هماهنگی داشته باشد، ثبات را در پی خواهد داشت و نظام سیاسی نیز تداوم می‌یابد.

و اما اگر ناهماهنگی باشد، تغییر و تحول را در پی دارد و تهدیدی برای نظام سیاسی حاکم می‌باشد، چه بسا دگرگونی بنیانی و انقلاب را در پی داشته باشد. همان‌گونه که بیان شده نهادهای جامعه‌پذیری از روش‌های مختلف بهره می‌جویند تا به اهداف خود نایل آیند. نهاد روحانیت نیز برای حصول به اهداف خود - تحکیم مبانی و اعتقادات اسلامی در همه زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و... از همه روش‌ها استفاده می‌جوید.

از شیوه مستقیم که معمولاً از طریق ایجاد ارتباط مستقیم و بلا واسطه با مردم در مساجد و هیأت‌های مذهبی و... صورت می‌گیرد، تا از طریق شیوه‌های غیرمستقیم به صورت تأثیرگذاری بر نهادهای جامعه‌پذیری همچون خانواده، نهادهای آموزشی، احزاب و گروه‌ها به انجام می‌رسانند.

«روحانیت از نهادها وارکان مهم نهادهای مذهبی ایران به شمار می‌آید و از مهم‌ترین منابع قدرت آنان می‌توان به مساجد، شخصیت روحانی، دارا بودن منشا مردمی و مالکیت (اوقاف، نذورات، خمس و زکات) اشاره کرد. روحانیت در ایران از فعالیت گسترده‌ای در امور سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی برخوردار بوده است و به جامعه‌پذیری سیاسی به نحو مستقل و جدای از عوامل رسمی و دولتی اقدام کرده است، این عوامل عبارتند از: الف: داعیه سیاسی و اجتماعی اسلام و مذهب؛ ب: داشتن موقعیت؛ ج: انطباق‌پذیری و انسجام.⁶²

8-1-2-1- محتوای جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی اعم از رأی دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌های سیاسی، مبارزات انتخاباتی، تبلیغات سیاسی، شرکت در مجامع صنفی، مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و جز آن مشاهده کرد.⁶³

محتوای جامعه‌پذیری سیاسی عبارتست از: وفاداری به میهن و احساسات میهنی، وابستگی‌های عاطفی و احساسی نسبت به یک گروه اجتماعی، سیاسی، قومی و یا نژادی، دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های فرد درباره مسائل مختلف و شخصیت‌ها و آگاهی‌ها و دارا بودن دانش‌ها و اطلاعات درباره ساخت‌های سیاسی و مقررات آنها و آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خویشتن در رابطه با جامعه و نهادهای مختلف آن و خلاصه تصویری از موقعیت خویش در جهان سیاست.

4-2-2- ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران

در این جا ابتدا باید به تعریف ارزش‌های سیاسی بپردازیم. سپس شاخص‌های ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران را مطرح سازیم.

ارزش‌های سیاسی در واقع مهم‌ترین مولفه فرهنگ سیاسی می‌باشد؛ که خود ترکیبی از دو واژه «ارزش» و «سیاسی» می‌باشد. برای ارائه تعریف دقیقی از ارزش‌های سیاسی لازم است این دو واژه به تفکیک تعریف شوند و در نهایت تعریف دقیق از ترکیب دو تعریف به عنوان تعریف مورد نظر این پژوهش از مفهوم ارزش‌های سیاسی ارائه شود و پس از آن به شاخص‌های ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود.

4-2-2-1- تعریف ارزش

⁶²- علی اختر شهر، پیشین، ص 210

⁶³- عبدالعلی قوام، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، 1374، ص 78.

بدون تردید مساله ارزش (value) یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل عصر ماست. در این زمینه مطالعات متعددی انجام گرفته؛ اما هیچ اجماعی در پاسخ به این سوال به دست نیامده است که ارزش چیست؟ و ارزش‌ها چگونه معلوم و ثابت می‌شود؟ در این باره برخی اندیشمندان معتقدند که ارزش غیر قابل تعریف است و برخی دیگر نیز تلاش‌های بسیاری را برای تعریف این مفهوم انجام داده‌اند.

در بررسی تعاریف متنوعی که در این زمینه بیان شده است به طور کلی می‌توان چند گروه را متمایز دانست. گروهی از تعاریف، ارزش را «جهت‌گیری انتخابی» می‌دانند و گروهی دیگر مساله «رجحان و تمایل» را - که در واقع حاصل جهت‌گیری انتخابی است - مطرح نموده‌اند. دسته سوم ارزش را «جهت‌گیری انتخابی و رجحان و تمایل به صورت تجمع عقاید و بازخوردهای روانی مساعد پیرامون آن چه تمایل به آن هست» می‌پندارند.⁶⁴

در این قسمت به چند تعریف مطرح از ارزش اشاره می‌کنیم و در پایان به تعریف مورد نظر این تحقیق می‌پردازیم.

در یکی از تعاریف مطرح از ارزش آمده است:

«ارزش عبارت است از ترکیبی از ایده‌ها و نگرش‌ها که طیف‌هایی را برای رجحان غرض‌ها اعمالی که برای دست یابی به اهداف مورد نظر لازم است در اختیار ما قرار دهد؛ و یا ارزش یک چیز عبارت است از بهای آن و یا مطلوبیت آن در مقایسه با چیزی دیگر.»⁶⁵

آلن بیرو در تعریف ارزش‌های اجتماعی (social values) می‌گوید:

«ارزش‌های اجتماعی مدل کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند را تشکیل می‌دهند. اینان شامل تمامی انواع ارزشی می‌شوند که مردم با آنان حیات اجتماعی خود را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آن به نوعی وفاق رسیده‌اند.»⁶⁶

علی ربیعی در کتاب «جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار رای دهندگان در دوم خرداد 1376» پس از مطرح کردن تعاریف بسیاری از صاحب‌نظران در نهایت ارزش‌ها را چنین تعریف مد کند: «ارزش‌ها را می‌توان جهت‌گیری‌های بنیادینی تعریف کرد که بر اتخاذ نگرش و عقاید جزئی‌تر و بر رفتار و

⁶⁴ - مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1375، ص 15.

⁶⁵ - همان، ص 5-6.

⁶⁶ - آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، 1366، ص 386.

عمل روزمره مردم موثر است... ارزش‌ها و باورها ی مردم در دوره طولانی تربیت اجتماعی - یا آن چه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آن را جامعه‌پذیری می‌نامند - شکل می‌گیرد و این رفتار آینده فرد رادر فرایند انتخاب گری کاملاً شکل می‌دهد.⁶⁷

اما تعریف مورد نظر ما از ارزش در این تحقیق که با نظر آلموند سازگار باشد و در برگیرنده مفهوم ارزش‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز باشد تعریف عبدالرضا حاجیلری در کتاب «کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی» می‌باشد که عبارت است از:

«مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت گیری‌های مثبت نسبت به چیزهایی که ملاک‌های کلی رفتار هستند و اکثریت افراد جامعه روی آن‌ها وفاق دارند.»⁶⁸

2-2-2-1- تعریف سیاست

درباره ماهیت سیاست نظرات بسیار متعددی بیان شده است که در کتاب «درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی» نوشته کالین‌های به آن پرداخته شده است. وی تقسیم‌بندی تعاریف مختلف سیاست به صورت طیفی می‌داند که در یک سر آن تعریف سیاست عبارت است از: «آنچه که حکومت انجام می‌دهد.» و در سر دیگر آن «امر شخصی، امر سیاسی تلقی می‌شود.»⁶⁹ کالین‌های همچنین در تقسیم‌بندی تعریف‌های سیاست به این نکته اشاره می‌کند که این تعاریف در تعیین حد و مرز امر سیاسی با یکدیگر متفاوت‌اند. در تعاریف محدود از سیاست، سیاست با حوزه عمومی، دولت و حوزه فعالیت حکومت سر و کار دارد؛ زیرا زندگی و امور سیاسی فقط در چنین حوزه‌هایی شکل می‌گیرد. از یک چنین دیدگاهی، امر شخصی، بنا بر تعریف، بی‌گمان سیاسی نیست. این گونه تعریف محدود سیاست، جذابیت آشکارا خاصی در تعریف دقیق یک موضوع پژوهش دارد. بی‌گمان از دید افرادی که قلمرو پژوهش سیاسی را به دولت، حوزه عمومی یا حکومت محدود می‌کنند، سیاست (اصطلاحی که بر اصطلاح امر سیاسی ترجیح می‌دهند) یک حوزه است. از این لحاظ سیاست عبارت است از:

⁶⁷ - علی ربیعی، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رای دهندگان در دوم خرداد 1376، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، 1380، ص 94

⁶⁸ - عبدالرضا حاجیلری، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر نشر معارف، 1380، ص 5.

⁶⁹ - کالین‌های، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، 1385، ص 115.

«عمل حکومت کردن و به عبارتی فعالیت یا رشته فعالیت‌هایی که به سبب شکل‌گیری در چارچوب این بستر (رسمی)، معنا دار، مهم و شایسته بررسی می‌شوند. به طور کلی این نگرش یا رهیافت به هسته رفتار گرایانه و عقل گرایانه رشته علم سیاست تعلق دارد».

بر عکس آنان که امر سیاسی (اصطلاحی که بر اصطلاح سیاست ترجیح می‌دهند.) را پدیده‌ای فراگیر می‌دانند که حوزه‌های اجتماعی، همه جوامع و در همه مراحل تاریخ آن‌ها رخ می‌دهد (یا دست کم امکان دارد رخ دهد) باید چنین تعریف محدودی از سیاست به عنوان یک حوزه را آشکارا رد کنند. در چارچوب این نگرش بدیل، پژوهش سیاسی با فرایند یا، به بیان دقیق تر، با توزیع (نابرابر) قدرت، ثروت و منابع سر و کار دارد. پس سیاست ممکن است در هر حوزه یا بستر نهادی و اجتماعی هر اندازه کم اهمیت یا کوچک هم شکل گیرد. دیدگاه‌های مربوط به ذات و ماهیت سیاست نیز گوناگون‌اند. برخی اندیشمندان بر خشونت، گرچه نه ضرورتاً اجبار فیزیکی، تاکید کرده، مثلاً شیوه‌های اجبار، ترغیب و آن چه جامعه شناس فرانسوی، پی یر بوردیو، «خشونت نمادین» - که به واسطه آن کاربرد اجبار فیزیکی به تعویق می‌افتد - می‌نامد راه، محور بحث خود قرار می‌دهند. برخی دیگر بر ستیز توزیعی بر سر منابع کمیاب تاکید می‌کنند (هر چند می‌توان گفت در جوامع سرمایه داری پیشرفته شمال، این ستیز بیشتر به توزیع نابرابر که باعث کمیاب شدن منابع فراوان در برخی بخش‌های اجتماعی می‌شود، معطوف است، نه صرفاً به منابع کمیاب). برخی دیگر هم ادعای اقتدار مشروع یا ستیز ناشی از قلت داوری انسانی را محور بحث خود قرار می‌دهند.

چنین برداشتی از امر سیاسی فراگیرترین برداشت است؛ سیاست همچون قدرت و پژوهش سیاسی همچون شناسایی و بررسی توزیع، اعمال و پیامدهای قدرت تصور می‌شود. دیوید هلد و آدریان لفت ویچ این دیدگاه را به خوبی بیان می‌کنند: «سیاست با قدرت سر و کار دارد؛ با نیروهایی که توزیع و اعمال قدرت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بازتاب آن هستند؛ و با تاثیر قدرت بر بهره برداری از منافع و توزیع آن‌ها؛ سیاست به «قابلیت دگرگون کنندگی» کارگزاران، کارگزاری‌ها و نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود؛ سیاست فقط درباره حکومت و حکومت کردن نیست.»⁷⁰

تعریف مورد نظر در این پژوهش نیز همین تعریف اخیر می‌باشد.

3-2-2-1- تعریف ارزش‌های سیاسی

⁷⁰ - همان، ص 126.

از ترکیب تعاریف دو واژه ارزش و سیاست به تعریف مورد نظر در این تحقیق از «ارزش‌های سیاسی» می‌رسیم که عبارت است از:

«مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به چیزهایی که ملاک‌های کلی رفتار هستند و با قدرت سرو کار دارند و با نیروهایی که توزیع و اعمال قدرت راتحت تاثیر قرار می‌دهند و بازتاب آن هستند و با تاثیر قدرت بر بهره برداری از منابع و توزیع آن‌ها و مربوط به قابلیت دگرگون‌کنندگی کارگزاران و کارگزاری نهادهای اجتماعی می‌شود و نه فقط به حکومت و حکومت کردن و اکثریت افراد جامعه روی آن‌ها وفاق دارند و می‌توان آن‌ها را از طریق اقدام سیاسی متحقق ساخت».

ارزش‌های اسلامی وجه مییزه افکار و اندیشه‌های اندیشمندان مسلمان و اندیشمندان غربی می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران، برخاسته از جهان بینی و ارزش‌های اسلامی است و این نکته نیازی به اثبات ندارد. همه کسانی که به تحلیل و نظریه پردازی درباره انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، بر این نکته تاکید ورزیده‌اند. ماهیت «اسلامی» انقلاب 1357 ایران، بدین معنی است که اهداف و آرمان‌های انقلاب، عیناً همان است که در «اسلام»، به عنوان اهداف اساسی حیات انسان مطرح شده است. علت تاکید امام خمینی بر «جمهوری اسلامی» - بدون یک کلمه زیاد یا کم - به عنوان نوع رژیم پس از انقلاب در همین امر نهفته است، که از دیدگاه امام خمینی، ملت ایران با انقلاب اسلامی هدفی جز استقرار اهداف و ارزش‌هایی که از نظر اسلام معتبر است، نداشته‌اند و این نظام، اهداف و آرمان‌ها و ارزش‌ها و روش‌های خود را از اسلام ناب محمدی و مذهب تشیع اخذ کرده است.⁷¹

استاد شهید مطهری به عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز انقلاب ماهیت انقلاب را این گونه تعریف می‌کند:

«طرد همه ارزش‌های غیر اسلامی و تکیه بر ارزش‌های مستقل اسلامی»⁷²

و همچنین مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند: «ارزش‌هایی که ما در انقلاب می‌خواهیم برای آن‌ها تلاش کنیم و کارمان برای آن‌ها است؛ دو مبنا و پایه دارد: مکتب و مردم»⁷³

درنهایت به تعریف موردنظر این تحقیق پیرامون ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران می‌رسیم که عبارت است از:

⁷¹ - علی ذوعلم، انقلاب و ارزش‌ها، پژوهشی درباره: سیر تحول ارزش‌ها در پرتو انقلاب اسلامی در ایران، قم: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر 1379، ص 56.

⁷² - همان.

⁷³ - حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج 3، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صص 197-198.

«مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت گیری‌های مثبت نسبت به چیزهایی که ملاک‌های کلی رفتار هستند و با قدرت سر و کار دارند و با نیروهایی که توزیع و اعمال قدرت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بازتاب آن هستند و با تاثیر قدرت بر بهره برداری از منابع و توزیع آن‌ها و مربوط به قابلیت دگرگون کنندگی کارگزاران و کارگزاری نهادهای اجتماعی می‌شود و نه فقط به حکومت و حکومت کردن و اکثریت جامعه روی آن‌ها وفاق دارند و بر گرفته از اهداف انقلاب اسلامی می‌باشد و می‌توان آن‌ها را از طریق اقدام سیاسی متحقق کرد».

باید بار دیگر به این نکته اشاره شود که در این پژوهش فقط به بخشی از ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی پرداخته ایم و کل ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و پژوهش روی آن کاری بس بزرگ است که در این پژوهش مجال آن نیست.

طبق چارچوب نظری پژوهش ارزش‌های سیاسی به سه بخش سیستمی، فرایندی و سیاست گذاری تقسیم می‌شود که تعریف کلی آن‌ها از دیدگاه آلموند عبارت است از:

«ارزش‌های سیستمی به قانون مندی و پیش بینی‌پذیری عملکرد نظام‌های سیاسی، و توانایی نظام‌ها برای سازگاری با چالش‌ها و تغییرات محیط نظر دارند. قانون مندی و سازگاری‌پذیری نوعاً تا حدودی با هم تعارض دارند. از یک سو اگر گسست‌ها و تغییرات جدی روال عادی زندگی سیاسی را بر هم زند بیشتر مردم احساس اضطراب می‌کنند. کودتاهای نظامی پی در پی یا فروپاشی مستمر کابینه دولت یا استعفای روسای جمهور موجب نا آرامی و پیش بینی ناپذیری می‌گردد. از دیگر سو، با دگرگون شدن شرایط - وقوع جنگ‌ها، شورش‌ها و مصیبت‌های اقتصادی - یا تغییر چشم داشت‌ها، مردم احساس می‌کنند نظام سیاسی باید با اوضاع و احوال جدید سازگار گردد.

در سطح فرایند، ارزش‌هایی مانند مشارکت موثر و رضایت بخش را می‌بینیم که بیشتر شهروندان اگر اختیار با خودشان باشد نوعاً آن را انتخاب می‌کنند. این نوع مشارکت موجب می‌شود که شهروندان با دیدی مثبت به نظام سیاسی نگاه کنند. مشارکت تنها به عنوان راهی برای پاسخگو ساختن نخبگان، ارزش ابزاری ندارد؛ بلکه چون موجب افزایش احساس شایستگی و کرامت فرد می‌گردد به خودی خود ارزشمند است. متابعت نیز می‌تواند یک ارزش باشد؛ زیرا افراد سعی دارند که جریمه‌ها دامنگیرشان نشود، یا به سائقه نیرومند خدمت به دیگران پاسخ گویند که خود یکی از ارضا کننده‌ترین تجربیات بشر است. عدالت شکلی

(محاكمه توسط هیئت منصفه، احضار به دادگاه و عدم مجازات وحشیانه و نامعمول) یکی دیگر از ارزش‌های فرایندی تعیین کننده است که محرومیت از آن لطمه شدیدی به شهروندان می‌زند و ممکن است بدون آن دیگر ارزش‌ها نیز آسیب ببینند.

در سطح سیاست گذاری به ارزش‌های رفاه، کمیت، کیفیت و برابر بودن آن، امنیت فردی و ملی و مصون بودن خلوت معقول زندگی هر فرد از مداخله دیگران می‌رسیم. در باره آزادی که گاه صرفاً یک ارزش عدمی محض و به صورت آزادی از مقررات و مزاحمت‌های حکومت تلقی می‌گردد باید بیشتر سخن بگوییم. آزادی چیزی سبیش از جلوگیری از اقدام حکومت است؛ زیرا ممکن است افراد و سازمان‌های خصوصی مخل آزادی و خلوت فرد گردند. و در واقع مانند زمانی که احزاب غیر دولتی مخل آزادی دیگران می‌شوند مداخله دولت می‌تواند موجب پیشبرد آزادی گردد. آزادی اقدام، سازمان دهی، کسب اطلاعات، و اعتراض، بخش تفکیک ناپذیر مشارکت سیاسی موثر است. آزادی با ارزش‌های سیاست گذاران‌های مانند برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز ارتباط دارد.⁷⁴

4-2-2-1- نمونه‌های ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران

الف- ارزش‌های سیاسی سطح سیستمی شامل:

- 1- حفظ نظام جمهوری اسلامی (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: قانون مندی بر طبق قانون نظام جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از شرع مقدس اسلام و مذهب تشیع می‌باشد. و پیش-بینی‌پذیری فرایندها در عرصه سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل البته در چارچوب ارزش‌های اسلامی)؛
- 2- سازگاری‌پذیری نظام جمهوری اسلامی (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: سازگاری‌پذیری ساختاری و فرهنگی در پاسخ به تغییرات و چالش‌های محیط البته در چارچوب ارزش‌های اسلامی)

مهم‌ترین ارزش‌های سیاسی سطح سیستمی انقلاب اسلامی ایران، مشروعیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ که در این تحقیق نیز فقط به این ارزش در این سطح پرداخته می‌شود. لذا لازم است تعریف مفهوم مشروعیت اینجا ذکر شود.

تعریف مشروعیت سیاسی

⁷⁴- گابریل آلموند و ساپرین، پیشین، ص 260-275

برای واژه Legitimacy معادل‌های زیر در فارسی یافت می‌شود: درستی، بر حق بودن، حقانیت، قانونی بودن، روایی، حلالیت، حلال زادگی، مشروعیت.⁷⁵ واژه Legitimacy از ریشه Leg یا Lex به معنای (Low) گرفته شده و با واژه‌هایی نظیر Legal به معنای قانونی و Legislation به معنای وضع قانون یا تقنین و Legitimate با معنای مشروع هم خانواده است.⁷⁶

در تعریف اصطلاح مشروعیت تعاریف بسیاری ارائه شده که با دقت در این تعاریف، به نوعی توجیه عقلی اطاعت مردم از زمامداران و اعمال قدرت زمامداران بر مردم باز می‌گردد.⁷⁷ مسأله مشروعیت «توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم»⁷⁸ می‌باشد که از همین تعریف آقای لاریجانی به دو مسأله «توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم» و «توجیه عقلی قبول سلطه حاکم» اشاره می‌کند و مدعی می‌شود که این دو در حکومت عقل به هم نزدیک می‌شوند.⁷⁹

مفهوم مشروعیت (Legitimacy) از اساسی‌ترین مفاهیم در علم سیاست می‌باشد که از گذشته صاحب‌نظران علوم اجتماعی و فلاسفه سیاسی را به خود مشغول کرده است. زیرا مشروعیت پایه و اساس هر نظام سیاسی محسوب می‌گردد و بدون آن دوام یک حکومت بدون توسل به زور و قوه قهریه امکان‌پذیر نخواهد بود و متقابلاً با از دست رفتن مشروعیت، زوال یک حکومت آغاز می‌گردد. بنابراین اینکه حکومت شونده‌گان به چه دلیلی و چگونه از حکومت اطاعت می‌کند یا علت رویگردانی مردم از حکومت، همواره از عرصه‌های مهم تحقیق بوده است. و در چند دهه اخیر تحقیقات ماکس وبر در زمینه مشروعیت جایگاه خاصی را دارد. در عصر حاضر شناخته شده‌ترین تعریف رایج مشروعیت توسط ماکس وبر به این صورت بیان گردیده است که: «مشروعیت، مظهر پذیرش ذهنی-درونی قدرت حاکم در نزد افراد جامعه است.»⁸⁰ به عقیده ایشان مشروعیت بر باور مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. قدرت حق کاربرد انحصاری زور را دارد، اما فقط مؤثر خواهد بود که مشروع باشد، یعنی عنصر اصلی قدرت سیاسی، مشروعیت آن است.

از اینرو در کتاب مبانی سیاست در تعریف مشروعیت آمده است: «یکی و یگانه بودن چگونگی به قدرت رسیدن رهبران و زمامداران جامعه با نظریه و باورهای همگان یا اکثریت مردم جامعه در یک زمان و مکان

⁷⁵- سلیمان حبیب، فرهنگ یک جلدی انگلیسی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ هشتم، 1383، ص 545.

⁷⁶- مصطفی کواکبیان، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، 1378، ص 9.

⁷⁷- همان.

⁷⁸- محمدجواد اردشیر لاریجانی، حکومت مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: انتشارات سروش، 1373، ص 9.

⁷⁹- عباس زارع، مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران 57 تا 75، تهران: انتشارات فرهنگ و دانش، 1380، ص 23.

⁸⁰- ماکس وبر، اقتصاد در جامعه، مترجمین عباس منوچهری، ترابی‌نژاد و عمادزاده، تهران: انتشارات مول، 1374، ص 22.

معین، که نتیجه این باور، پذیرش حق فرمان دادن (Authority) برای رهبران و وظیفه فرمان بردن برای اعضاء جامعه یا شهروندان می باشد.⁸¹

بنابراین مشروعیت ناشی از هماهنگی عقیده و ارزشی میان شهروندان و حکومت کنندگان می باشد. این هماهنگی امر اطاعت را آسان نموده، دولت را از کاربرد زور و تهدید به منظور تأمین فرمانبرداری، بی نیاز ساخته و یا استفاده از آن را به حداقل تقلیل می دهد.⁸²

«می توان برای مشروعیت دو معنای متفاوت ولی وابسته به هم را تصور کرد. در معنای اول، مشروعیت به دسته ای از هنجارها و ارزش های مرتبط با سیاست اطلاق می شود که امکان تحقیق یک نظام سیاسی را فراهم می آورند این هنجارها واضح مؤلفه هایی هستند که در اصطلاح به آنها «پایه های اخلاقی اقتدار» گفته می شود. این مؤلفه ها از خلال فرآیند اجتماعی کردن، نهادینه می شوند و به آن دسته موضوعاتی مربوط می شوند که تصورات اولیه ما را در قبال حکومت، حقوق و تعهدات متقابل حکومت کنندگان و حکومت شوندگان، الگوهای انتخابات، تغییرات سیاسی، مسئولیت کارگزاران حکومت و غیره تشکیل دهند. در معنای دوم، به حوزه ای مربوط است که در آن بخش متناهی از مردم تصور می کنند که رژیم مطابق با هنجارها رفتار می کند و یا هنجارها را نقض نمی کند. پس برای تحقیق درباره سطح مشروعیت یک نظام باید به دنبال قضاوت مثبت یا منفی مردم و تصور آن ها در قبال رژیم رفت.»⁸³

هسته اصلی تعیین کننده مشروعیت آن است که یک نظام سیاسی حاکم از سوی مردم، دارای پذیرش قلبی و ارزیابی مثبت باشد تا اینکه موجه و قانونی تلقی شود. بنابراین یک نظام وقتی از نظر مردم مشروع و موجه تلقی می شود که منطبق با ارزش های اجتماعی حاکم باشد. بر اساس همین ارزش ها نیز انواع مشروعیت ها طبقه بندی شده اند. چنانچه ماکس وبر یک سه گانه از مشروعیت حکومت ارائه می دهد. مشروعیت سنتی، کاریزمایی و قانونی. هر سه نوع مشروعیت به نوبه خود، از نظر مردم، ضوابط پذیرفته شده دارند و مبتنی بر ارزش ها می باشند.⁸⁴

شاخصه های مشروعیت:

⁸¹ - عبدالحمید ابوالحمد، مبانی علم سیاست، تهران: نشر قومس، 1368، ص 245.

⁸² - محمدرضا مرندی، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران: مؤسسه انتشاراتی عطا، 1376، ص 31.

⁸³ - حسین رازی، مشروعیت، دین و ناسیونالیسم در خاورمیانه، ترجمه سعید حجاریان، فرهنگ و توسعه، سال چهارم، شماره 18، خرداد و تیر 1374، ص 18.

⁸⁴ - فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، 1376، ص 449.

می‌توان مواردی را به عنوان شاخصه‌های وجود مشروعیت در یک نظام تصور نمود؛ یعنی در صورت نبود این شاخصه‌ها می‌توان به عدم و فقدان مشروعیت در آن نظام پی برد. روح کلی همه این شاخصه‌ها قبول مردم و اقبال آنان به طرف نظام و مشارکت در امور است. این شاخصه‌ها عبارتند از:

1) چگونگی تداوم ارزش‌های مشترک سیاسی و اجتماعی؛ 2) چگونگی پرداخت مالیات؛ 3) میزان رعایت قانون؛ 4) میزان نبود فساد در دستگاه‌های نظام؛ 5) اعتماد به مسئولان حکومتی؛ 6) اطاعت از قدرت؛ 7) توانایی نظام به پاسخگویی؛ 8) حمایت‌های عمومی در مقابل رفتارهای اعتراضی؛ 9) کارایی؛ 10) میزان نبودن خشونت در جامعه؛ 11) همکاری با نظام.⁸⁵

از مجموع مطالب عنوان شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که: مشروعیت به معنای ظرفیت نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردار بوده یا نه، لذا مشروعیت نظام‌های سیاسی معاصر بیشتر معلول موفقیت آن‌ها در حل و فصل اختلافات درونی سیستم‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است.⁸⁶

از میان تمام تعاریف مطرح برای مشروعیت تعریف اخیر مورد نظر پژوهش پیش رو می‌باشد اما در فصل دوم تعریف مقام معظم رهبری آورده می‌شود که تعریف اصلی مورد نظر در این پژوهش همان تعریف می‌باشد.

بحران مشروعیت

بحران مشروعیت، در واقع بحران تغییر و تحول است.⁸⁷ این که «توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم» دچار تغییر و تحول گردیده و آن توجیهات اعمال قدرت کمرنگ گردد و یا دگرگونی اساسی حاصل آید و این وضعیت نه تنها باعث عدم ثبات می‌شود، بلکه دگرگونی و تغییر اساسی و زیربنایی و انقلابی را نیز سبب می‌شود.⁸⁸ به بیان دیگر اختلال در نظام فلسفی و ارزشی جامعه موجب بروز و ظهور بحران مشروعیت می‌گردد.⁸⁹

بحران مشروعیت زمانی دامن‌گیر یک نظام سیاسی می‌گردد که آن نظام سیاسی از پاسخگویی به خواست‌های شهروندان ناتوان شود و پشتیبانی مردم از آن نظام، متزلزل گردد. بی‌شک در هر سیستم سیاسی

⁸⁵ - کمال اکبری، رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، 1385، ص 119-106.

⁸⁶ - عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، پیشین، ص 38.

⁸⁷ - عبدالعلی قوام، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس، 1379، ص 54.

⁸⁸ - عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، پیشین، ص 133.

⁸⁹ - علی اصغر کاظمی، پیشین، ص 57.

که حکومت کنندگان از پشتیبانی حکومت شوندگان محروم باشند، پایه‌های مشروعیت حاکمیت آن نظام سیاسی، لرزان شده و تضادهای درونی سیستم تشدید می‌شود. این تضادها نوع شکاف سیاسی را در کل سیستم ایجاد می‌کند. بر همین اساس ریشه‌های آن را باید در کیفیت تغییر و تحول جوامع معاصر جستجو کرد. عواملی که در دوران انتقال باعث بحران مشروعیت می‌شوند عبارتند از:⁹⁰

- کلیه گروه‌های عمده اجتماعی که طی دوران انتقال در اولین فرصت به نظام سیاسی نوین دسترسی نداشته و یا حداقل به محض شروع دوران مزبور خواسته‌های سیاسی خود را مطرح می‌کنند. بدیهی است نظام سیاسی جدید نمی‌تواند به سرعت پاسخگوی نیازهای آتی گروه‌های مزبور باشد، که این خود باعث تشدید بحران مشروعیت می‌شود.

- امکان دارد که موقعیت پاره‌ای از نهادهای عمده محافظه کار در خلال دوران تحولات ساختاری مورد تهدید قرار گیرند. چنانچه بعد از ایجاد یک ساخت نوین اجتماعی، نظام جدید در یک دوران طولانی قادر به پاسخگویی خواسته‌ها و انتظارات گروه‌های عمده در چارچوب ساختها و ارزش‌های نوین نشود، در این صورت نظام با بحران مشروعیت مواجه می‌شود.

بحران مشروعیت زمانی اتفاق می‌افتد که در واقع قواعد اساسی حکومت مورد تردید قرار گیرد. و مردم ارزیابی مثبتی نسبت به نظام نداشته باشند با توجه به اینکه در همه حکومت‌ها گروه‌های مخالف وجود دارد بنابراین هیچ حکومتی نیست که خالی از هر گونه بحران مشروعیت باشد. بلکه دارای شدت و ضعف می‌باشد که این بستگی به گسترش این مخالفت‌ها دارد. به قول گرامشی:

«سقوط فیزیکی هر رژیم هنگامی صورت تحقیق به خود می‌گیرد که قبلاً ارزش‌های تبلیغ شده توسط آن رژیم در ذهن و ضمیر مردم سقوط کرده و آن چه را که بالایی‌ها ارزش تلقی می‌کنند نزد پایینی‌ها به ضد ارزش بدل شده باشد.»⁹¹

تعریف مورد نظر از این مفهوم در این تحقیق همین تعریف اخیر می‌باشد.

ب- ارزش‌های سیاسی سطح فرایندی شامل:

1- مشارکت در دروندادهای سیاسی (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: واجد اهمیت ابزاری برای سیاست داخلی و خارجی می‌باشد؛ و چنان چه با پاسخ مساعد روبرو شود مستقیماً موجب ایجاد

⁹⁰- عبدالعلی قوام، چالش‌های توسعه سیاسی، پیشین، ص 54.

⁹¹- سعید حجاریان، مسأله مشروعیت سیاسی، راهبرد، شماره 3، سال 1372، ص 78.

حس کرامت و اثر بخشی می‌شود. البته در نظام جمهوری اسلامی نقش مشارکت مردم از یک امیت ابزاری صرف به یک اهمیت اساسی و کلیدی تبدیل شده است به طوری که بنیان گذار انقلاب اسلامی فرمودند: «میزان رای ملت است.»⁹²؛

2- متابعت و حمایت از نظام جمهوری اسلامی (وفاداری به نظام) (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: ایفای وظایف شهروندی و همچنین مسلمانی و خدمت میهنی و دفاع از میهن اسلامی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی)؛

که مهم‌ترین ارزش سیاسی این سطح مشارکت سیاسی می‌باشد که در این پژوهش نیز فقط به آن پرداخته می‌شود. لذا در اینجا لازم است به تعریف مفهوم مشارکت سیاسی بپردازیم.

تعریف مشارکت سیاسی

مشارکت با فتح راء اسم مصدر عربی است و ما خود از عربی شرکت و انبازی حصه‌برداری و بهره‌برداری است. مشارکت داشتن به معنای شریک بودن و انبازی داشتن و مشارکت کردن به معنای انبازی کردن و شرکت کردن است.⁹³ در فرهنگ نوین آورده شده: شراکه، اشتراک معه سهمی داشت، شرکت و دخالت کرد، همدردی کرد، غمخواری کرد. اشتراک القوم فی کذا؛ شرکت کردند، مشترک شدند، اعانه داند.⁹⁴ در فرهنگ معین مشتقات مختلف آن این گونه بیان شده است: مشارکت (اسم فاعل)، شریک، انباز. مشارکت (مصدر)؛ شرکت دادن، انبازی کردن، مشارکت دادن، شرکت دادن، مشارکت کردن؛ شریک کردن، سهمیم کردن.⁹⁵ در لغت‌نامه دهخدا به نقل از اقرب الموارد آورده است مشارکه؛ با یکدیگر انبازی کردن، مشارکه، با کسی انبازی کردن، آنگاه بیان کرده است؛ مشارکت کردن؛ سهمیم و شریک ساختن، انباز کردن، مشارکت گردانیدن؛ سهمیم گردانیدن، انباز ساختن.⁹⁶

پس بر اساس معانی مشارکت در کتب لغوی فارسی و عربی، مشارکت به معنای شرکت کردن با هم و شریک شدن با هم است که جنبه طرفینی دارد.

⁹² - روح الله خمینی، صحیفه نور، ج 7، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص 122.

⁹³ - علی‌اکبر نفیسی (ناظم الاطباء)، فرهنگ نفیسی، ج 5، تهران، کتابفروشی خیام، 1355، ص 331.

⁹⁴ - احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین (فرهنگ سیاح)، تهران: اسلام، چاپ 16، 1373، ص 792.

⁹⁵ - محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر، 1364، ص 4127.

⁹⁶ - علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج 12، تهران: دانشگاه تهران، 1373، ص 18474.

تعریف اصطلاحی مشارکت سیاسی مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، محل برخورد آرا و عقاید مختلف بوده است. مک کلاسکی در دایرة المعارف علوم اجتماعی این تعریف را ارائه می‌دهد: «مشارکت سیاسی عبارت است از آن فعالیت داوطلبانه‌ای که اعضای یک جامعه در انتخاب رهبران به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی، انجام می‌دهند.»⁹⁷

مجموعه راهنمای علوم سیاسی مشارکت را چنین بیان می‌کند: «مشارکت سیاسی تمام فعالیت‌های قانونی شهروندان حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر گذارند.»⁹⁸ در فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو مشارکت را چنین تعریف کرده است: «مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است.»⁹⁹ در فرهنگ سیاسی مشارکت سیاسی مترادف با شرکت در سیاست و دخالت در سیاست آمده و این گونه تعریف شده است: «مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست و دولت.»¹⁰⁰ و مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا احراز مقام سیاسی رسمی تعریف می‌کند. که همین تعریف اخیر در پژوهش حاضر موردنظر است که البته هم سلسله مراتب که میزان و نوع مشارکت را هم شامل می‌شود که از عدم درگیری در سیاست تا داشتن مقام سیاسی یا اداری را در بر می‌گیرد. از میان تمام تعاریف مطرح برای مشارکت تعریف اخیر مورد نظر پژوهش پیش رو می‌باشد اما در فصل سوم تعاریف امام و مقام معظم رهبری آورده می‌شود که تعریف اصلی مورد نظر در این پژوهش همان تعاریف می‌باشد.

سلسله مراتب مشارکت سیاسی:

- عدم درگیری در سیاست
- رأی دادن
- اندکی علاقه به سیاست
- مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی

⁹⁷ - Mc Closky, Ehrbert, Political participation, in the international encyclopedia of the social sciences, the McMillan Company, New York, 1972, p. 252.

⁹⁸- Norman H. NIE and Sidney verba, Political development, from handbook of political science. Vol. 4 (non governmental politics), edited by J. Greenstein and Nelson Polsby, (Massachusetts: Adisin Wesley publishing company, 1975), P. 22.

⁹⁹- آلن بیرو، پیشین، ص 257.

¹⁰⁰- علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، 1374، ص 259.

- عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی
- عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی
- مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره
- عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی
- عضویت فعال در یک سازمان سیاسی
- جستجوی مقام سیاسی یا اداری
- داشتن مقام سیاسی یا اداری.¹⁰¹

انواع و سطوح مشارکت سیاسی:

باتوجه به این که مشارکت سیاسی گسترده وسیعی دارد و از کمترین تحرک در حوزه سیاست جمعی تا قوی‌ترین فعالیت‌ها را در بر گرفته و تا براندازی نظام به پیش می‌رود دارای انواع مختلفی خواهد بود و سطوح متعددی را در بر خواهد گرفت.

1. مشارکت فعال و منفعل
2. مشارکت مسالمت‌آمیز و غیر مسالمت‌آمیز
3. مشارکت خود جوش و برانگیخته
4. مشارکت توده‌ای و مشارکت مدنی
5. مشارکت فعال و پیرو منبانه

در نظریه آلموند این نوع تقسیم‌بندی اخیر آمده که به شاخص‌هایی در جدول انواع مشارکت شهروندان در سیاست به شرح ذیل اشاره دارد.

جدول 1-2: انواع مشارکت شهروندان در سیاست

فعالیت‌های مشارکت جویانه فعال	فعالیت‌های پیرو منبانه
<p>تصریح منافع</p> <p>تماس‌های مبتنی بر نفع شخصی</p> <p>فعالیت در گروه‌های غیررسمی‌ها</p> <p>فعالیت در گروه‌های رسمی</p> <p>فعالیت‌های اعتراضی</p> <p>تألیف منافع</p> <p>برای دادن در انتخابات رقابتی</p> <p>فعالیت حزبی در انتخابات رقابتی</p> <p>سیاست‌گذاری</p>	<p>ارائه منابع</p> <p>پرداخت مالیات</p> <p>انجام خدمت نظام</p> <p>عضویت در هیئت منصفه</p> <p>دریافت منابع</p> <p>دریافت مزایای تأمین اجتماعی</p> <p>دریافت مزایای رفاهی</p> <p>دریافت مزایای کهنه سربازان</p> <p>رفتار قانون‌مند</p>

¹⁰¹ - مایکل راش، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت، 1377. ص 123-124

اطاعت از قوانین فرستادن فرزند خود به مدرسه مراعات قوانین ایمنی از سوی تولید کننده صنعتی ارائه و دریافت نمادها یاد کردن سوگند وفاداری گوش سپردن به سخنرانی‌های سیاسی رأی دادن در انتخابات غیررقابتی	رأی دادن در همه‌پرسی عضویت در اجلاس شورای شهر شورای کارگران
---	---

مکانیزم‌های مشارکت سیاسی

مکانیزم‌های مشارکت سیاسی نیز شامل: احزاب، انتخابات، گروه‌های نفوذ و رسانه‌ها می‌باشد.

شاخصه‌های مشارکت سیاسی:

1) استفاده از رسانه؛ 2) شرکت در انتخابات؛ 3) حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی؛ 4) همکاری داوطلبانه؛ 5) فعالیت حزبی.¹⁰²

بحران مشارکت:

بحران مشارکت وضعیتی است که حکام تقاضاهای افراد و گروه‌های در جستجوی مشارکت و اثرگذاری را نامشروع قلمداد کند. زیرا نظام سیاسی، حق حاکمیت را از آن خود دانسته و مردم را شایسته مشارکت نمی‌داند و امکان مشارکت و تاثیر گذاری را به آن‌ها نمی‌دهد.

البته امروزه دولت‌ها در پی مشارکت مردمی‌اند؛ اما آن‌هایی که تاثیر مردم را بر نمی‌تابند، در پی مشارکت‌های خود ساخته و مشارکت از راه احزاب دولتی‌اند. گاهی نیز بر اساس نوع ساختارهای جامعه، خود شهروندان از مشارکت دست می‌کشند و چون مقبولیتی برای ساختارها قائل نیستند؛ مشارکت را بی فایده دانسته و نسبت به آن اقدام نمی‌کنند.

بحران مشارکت در مواقع گوناگون می‌تواند به وقوع بپیوندد، یکی از مواقع زمانی است که حاکمان، امکان مشارکت به افراد را ندهند یا این که تقاضای آنان برای مشارکت را غیر قانونی بدانند و مجاری ویژه کنترل شده ای را جهت مشارکت پیشنهاد کنند که نتیجه مشارکت کنندگان تقلیل خواهد یافت.

دلیل دیگری که در ایجاد بحران مشارکت نقش دارد، این است که مشارکت جویان در قالب گروه‌ها و احزابی گرد هم آیند و نخبگان حاکم و سیستم سیاسی رانامشروع دانسته و خواستار جانشینی از سوی

¹⁰² - کمال اکبری، پیشین، ص 121.

خودشان باشند. در این صورت نیز با مقاومت حاکمان روبرو می‌شوند که منجر به عدم مشارکت و ایجاد بحران مشارکت می‌شوند. در نتیجه بحران مشارکت برخواسته از بحران مشروعیت است.¹⁰³

ج- ارزش‌های سیاسی سطح سیاست گذاری شامل:

1- رفاه (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: رشد سرانه، کمیت و کیفیت و بهداشت و رفاه و برابری در توزیع)؛

2- امنیت (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: ایمنی شخص و دارایی او به لحاظ مالی، جسمی، روحی، روانی، دینی و فرهنگی و نظم عمومی و امنیت ملی.)؛

3- آزادی (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: آزادی از مقررات، حمایت از زندگی خصوصی و احترام به استقلال عمل دیگر افراد گروه‌ها و ملت‌ها و آزادی از قید بندگی طاغوت و آزادی در دین.)؛

4- عدالت (که محتوا و نمونه‌های آن شامل موارد ذیل می‌باشد: برابری ماهوی و شکلی در برابر دادگاه و قانون که یکی از اصول اساسی و ارزش‌های مهم اسلام است.)

از ارزش‌های این سطح به دلیل محدودیت‌های موجود در این تحقیق صرف نظر می‌شود و بررسی آن به فرصتی دیگر موکول می‌گردد. و در این تحقیق فقط به بررسی دو ارزش سیاسی مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی پرداخته می‌شود.

3-2-1- روحانیت

به دست دادن تعریفی جامع از روحانیت - که تنوعات و تحولات درون سازمانی آن را توضیح دهد وظیفه‌ای بسیار دشوار است. امروزه در جامعه ایران، روحانیون را به اسامی مختلفی همچون آخوند، شیخ، ملا و عمامه به سر می‌شناسند و طبعاً با اطلاعاتی که از سلسله مراتب درون سازمانی آن دارند آنان را به ترتیب، آیت الله العظمی، آیت الله و حجت الاسلام می‌شناسند. آخوند در زبان فارسی به معنی دانشمند، پیشوای دین و معلم است که نخستین بار به مثابه عنوانی احترام آمیز در دوره تیموریان به کار رفت و بعدها نیز در همین معنا به کار رفت. مثلاً در دوره قاجاریه به مشهورترین فقیه یعنی کاظم خراسانی، آخوند خراسانی می‌گفتند. البته روحانیون در گذشته القاب دیگری مثل ملا باشی و صدر داشتند که امروزه کاربردی ندارد. صدر، عنوانی دولتی بود که دولت صفوی به برخی از روحانیون اعطا می‌کرد و موظف بود تمام امور و نهادهای مذهب را زیر

¹⁰³ - همان، ص 124.

نظر خود گرفته، علما و روحانیون را هدایت و راهنمایی کند. پس از او سلسله مراتبی از روحانیون به نام مدرسین، شیخ السلام، پیش نمازهای مساجد جامع، قاضیان، متولیان و حافظان قرار داشتند. در ورای دولت، گروه مجتهدان قرار داشتند که صرفاً واجد قدرت معنوی بودند و سرچشمه قدرت آنها، قرابتشان به نصوص دین و توانایی آنها در تفسیر این نصوص بود. گذشته از مجادلات نظری در این باره که آیا اساساً نهادی به نام روحانیت وجود دارد یا نه؟ باید پرسید روحانی کیست؟ و چه ویژگی‌هایی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان از رویکرد نماد گرایانه در تعریف روحانیت بهره جست، در این رویکرد روحانی به نماد آن یعنی نوع لباسی که بر تن دارد شناخته می‌شود. هم چنان که اذان، نماد اسلام، صلیب، نشان مسیحیت و پرچم نماد یک کشور است، عبا و عمامه، نماد روحانیت است. نماد علاوه بر این که معنای خود را می‌نمایاند درجه حضور و حیات آن معنا را در جامعه بیان می‌کند و همچنان که امام صادق(ص) فرمود: تا کعبه باقی است دین پایدار است¹⁰⁴. در این جا نیز قوام روحانی بودن بسته به تلبس به این نماد است. به ویژه آن که انجام کارویژه اصلی روحانیت است که در کوی و برزن، موجودیت خود را اعلام می‌دارد و پیام خود را به مخاطبین آشنا و غریب منتقل می‌سازد.¹⁰⁵ بنا به همین کارویژه‌های نماد است که رویکرد نماد گرایانه، تمایز لباس روحانی از سایر اقشار و اصناف جامعه را یک ضرورت می‌داند. با این همه می‌توان استثنائاتی بر این رویکرد یافت و نشان داد که عالمان دینی غیر ملبس به کسوت روحانیت کم نیستند، هم چنان که غیر عالمان ملبس به این لباس کم نخواهد بود. به ویژه آن که پس از انقلاب مشروطه به این سو هم‌سانی بین تیپ اجتماعی روحانیون به هم ریخته است. در دوره رضاخان، برخی از روحانیون، لباس را درآورده و به عضویت عدلیه درآمدند، همچنان که در دو دهه اخیر نیز پاره‌ای از معمین، بنا به دلایل منزلتی و یا محدودیت‌های اجتماعی، متلبس به لباس روحانیون نیستند. امروزه تعداد بی‌شماری از فارغ‌التحصیلان حوزه به حساب می‌آیند اما کسی آنان را به عنوان روحانی خطاب نمی‌کند اما به لحاظ متدلوزیک روحانی‌اند و به جهت مراجعه به نص و تعهد به سنت حوزه، روحانی قلمداد می‌شوند. از این رو می‌بایست با اندکی تسامح در رویکرد نمادگرایانه، آن را به گونه‌ای تعریف کنیم تا به هم ریختگی تیپ اجتماعی روحانیون در سال‌های اخیر، مورد غفلت قرار نگیرد. به همین دلیل با افزودن قید «اغلب» در تعریف علی مطهری از روحانیت، آن را چنین تعریف می‌کنیم.

¹⁰⁴ - عبدالوهاب فراتی، روحانیت و تجدد، جریان شناسی فکری سیاسی روحانیت در دوره جدید، دانشگاه باقرالعلوم، قم، رساله دکتری، 1386، ص 13، به نقل از محمدبن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج 4، تهران: مکتبه الصدوق، 1381ق، ص 271
¹⁰⁵ - محمد عالم‌نوری، لباس روحانی، چراها و بایدها، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1384، ص 9-11.

«روحانیت افرادی هستند که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده و رشد یافته‌اند و رسالت تبلیغ دین را بر دوش خود احساس می‌کنند و البته پارسا و [اغلب] ملبس به کسوت روحانیت می‌باشند.»¹⁰⁶

با این همه باید در تعریف روحانیت نیز به نکات چندی توجه کنیم که روحانیت به سبب آن، یک خود جمعی تعریف می‌کند و در برابر تهدیدات بیرونی از خود دفاع می‌کند، برای این خود، قداست و اهمیت قائل است، بزرگانی را به منزله مقدس علمی و عملی خود برمی‌گزیند. از الگوی عمومی فکری و ذهنی نسبتاً واحدی پیروی می‌کند و آن الگو را عین دین و حق می‌شمارد و تخطی از اصول فکری صنفی را تخطی از دین می‌انگارد و بالاخره این که از منابع خاصی مثل سهم امام ارتزاق می‌نماید.¹⁰⁷

در فرهنگ ما ایرانیان، روحانی به عالمان علوم دینی اطلاق می‌شود که غالباً به لباس خاصی ملبس هستند، این لباس رسالت و تکالیف الهی را به صاحبان آن تکلیف می‌کند، فلذا انتظار آن است که آنان به عنوان افراد متعهد و متقی و عالمان دینی، مروج و مبلغ دین و ارشاد کننده مردم در مسیری باشند که خداوند توصیه کرده است. همچنین به پیروی از ائمه معصومین(ع) سعی دارند که ارزش‌های مذهبی - اسلامی را در تمامی شئون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه حاکم نمایند. بدین ترتیب روحانی بر اساس نقشی که در جامعه ایفا می‌کند به مثابه یک نهاد اجتماعی تلقی می‌شود. با توجه به این که روحانیون از لحاظ شأن و مقام و سطح آگاهی و نقشی که در انجام رسالت خود دارند، همانند سایر اقشار و طبقات اجتماعی دیگر جامعه ایران، به گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان به مراجع تقلید که مقام افتاء را دارند و مدرسان حوزه‌های علمیه، محققان و نویسندگان، ائمه جمعه، پیش نمازها و ائمه جماعات، وعاظ و سخنرانان مذهبی و طلاب علوم دینی اشاره کرد.¹⁰⁸

تعریف اخیر تعریف مورد نظر در این پژوهش می باشد.

در این پژوهش نظر مقام معظم رهبری راجع به نقش روحانیت (مخصوصاً آراء یکی از روحانیون زمانه که مهم‌ترین نقش را در شکل دادن، رهبری و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی داشتند؛ یعنی حضرت امام خمینی(ره) و به تبع ایشان دیگر اقشار روحانیت) در با چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی در نظام قبل از انقلاب اسلامی، ایجاد و درونی کردن ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی، به کنکاش گذاشته می‌شود.

¹⁰⁶ - به نقل از: عبدالکریم سروش، حریت و روحانیت، کیان، سال 5، شماره 24، ص 2

¹⁰⁷ - همان، ص 3

¹⁰⁸ - علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج 1، تحولات اجتماعی، 1320-1357، سمت، 1379، ص 130.

جمع‌بندی فصل اول:

در این فصل از پژوهش همان گونه که از عنوان آن پیداست ابتدا چارچوب نظری متناسب با موضوع پژوهش که همان نظریه ساختاری- کارکردی آلموند تشخیص داده شد؛ برگزیده و در همین چارچوب مفاهیم اصلی این پژوهش نیز تعریف و تبیین شد.

در نظریه ساختاری - کارکردی آلموند، جامعه‌پذیری عبارت است از «شیوه آشنا شدن کودکان با ارزش‌ها و ایستارهای جامعه خویش». و جامعه‌پذیری سیاسی بخشی از همین فرایند است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد.

در این چارچوب نظری ارزش‌های سیاسی در سه سطح سیستمی، فرایندی و سیاست گذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ که در هر سطح از این ارزش‌های سیاسی نمونه‌هایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مثلاً در سطح سیستمی، مشروعیت سیاسی، حفظ نظام و سازگاری پذیری نظام؛ و در سطح فرایندی مشارکت سیاسی، متابعت و حمایت؛ و در سطح سیاست‌گذاری ارزش‌هایی مانند رفاه، امنیت، آزادی و عدالت به عنوان نمونه مطرح شده است. که با توجه به محدودیت‌های موجود تصمیم به انتخاب دو ارزش مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی گرفته شد.

در بخش دوم این فصل یعنی بخش مفاهیم، مفاهیم اصلی مورد نظر این پژوهش تعریف شدند که عبارتند از: جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران (مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی) و روحانیت.

با در نظر گرفتن این نکته که چارچوب نظری متناسب با بحث تحقیق حاضر نظریه ساختاری- کارکردی آلموند می‌باشد؛ لذا مفاهیم در نهایت در چارچوب این نظریه و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ارائه شد.

تعریف نهایی مورد نظر در این پژوهش از جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از: «روندی که افراد به وسیله آن، دیدگاه‌ها، الگوهای رفتار سیاسی و ارزش‌های سیاسی را کسب کرده و به وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آگاه می‌شوند و موجب انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌شوند؛ که این خود مقدمه‌ای برای ایجاد ثبات در نظام سیاسی مروج این ارزش‌ها می‌باشد؛ فلذا می‌توان گفت که بستر و حوزه مطالعه جامعه‌پذیری سیاسی، ارزش‌های سیاسی است.»

تعریف مورد نظر این تحقیق پیرامون ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران عبارت است از: «مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به چیزهایی که ملاک‌های کلی رفتار هستند و با قدرت سر و کار دارند و با نیروهایی که توزیع و اعمال قدرت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بازتاب آن هستند و با تاثیر قدرت بر بهره برداری از منابع و توزیع آن‌ها و مربوط به قابلیت دگرگون‌کنندگی کارگزاران و کارگزاری نهادهای اجتماعی می‌شود و نه فقط به حکومت و حکومت کردن و اکثریت جامعه روی

آن‌ها وفاق دارند و بر گرفته از اهداف انقلاب اسلامی می‌باشد و می‌توان آن‌ها را از طریق اقدام سیاسی متحقق کرد.»

در ذیل این مفهوم اصلی دو مفهوم مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی نیز نقش کلیدی در این پژوهش دارند که به تعریف نهایی مورد نظر این رساله اشاره ای می‌شود:

«مشروعیت به معنای ظرفیت نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردار بوده یا نه، لذا مشروعیت نظام‌های سیاسی معاصر بیشتر معلول موفقیت آن‌ها در حل و فصل اختلافات درونی سیستم‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است.»

«مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا احراز مقام سیاسی رسمی را گویند.»

در فصول بعدی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره مفاهیم مشروعیت سیاسی و مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی و نظام سیاسی قبل از آن به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آخرین مفهوم اصلی مورد نظر این رساله روحانیت است که چنین تعریف شده:

«در فرهنگ ما ایرانیان، روحانی به عالمان علوم دینی اطلاق می‌شود که غالباً به لباس خاصی ملبس هستند، این لباس رسالت و تکالیف الهی را به صاحبان آن تکلیف می‌کند، فلذا انتظار آن است که آنان به عنوان افراد متعهد و متقی و عالمان دینی، مروج و مبلغ دین و ارشاد کننده مردم در مسیری باشند که خداوند توصیه کرده است. همچنین به پیروی از ائمه معصومین (ع) سعی دارند که ارزش‌های مذهبی-اسلامی را در تمامی شئون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه حاکم نمایند. بدین ترتیب روحانی بر اساس نقشی که در جامعه ایفا می‌کند به مثابه یک نهاد اجتماعی تلقی می‌شود. با توجه به این که روحانیون از لحاظ شأن و مقام و سطح آگاهی و نقشی که در انجام رسالت خود دارند، همانند سایر اقشار و طبقات اجتماعی دیگر جامعه ایران، به گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان به مراجع تقلید که مقام افتاء را دارند و مدرسان حوزه‌های علمیه، محققان و نویسندگان، ائمه جمعه، پیش نمازها و ائمه جماعات، وعاظ و سخنرانان مذهبی و طلاب علوم دینی اشاره کرد.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



دانشگاه باقر العلوم